

مقابله با گرسنگی در نظام حقوق بین‌الملل: از نقض حقوق بشر تا جنایت بین‌المللی

هاله حسینی اکبرنژاد *

حوریه حسینی اکبرنژاد **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2021.243889

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۳

چکیده

گرسنگی عمدی، نقض حقوق بشر و جنایت بین‌المللی است که مرتکبین آن طی سال‌های متمادی از بی‌کیفر بوده‌اند اما اخیراً جامعه بین‌المللی اقداماتی برای پیشگیری و مقابله با آن تمهید کرده و از جمله در اساسنامه رم احصا شده است گرچه مفاد اساسنامه به علت عدم شفافیت در مورد عناصر جرم و به‌ویژه عنصر معنوی و نیز محدود شدن ارتکاب آن به شرایط خاص، مورد انتقاد بوده و توسعه مفهومی آن ضروری است. مقاله حاضر این مسئله را بررسی و تحلیل می‌کند که چگونه به صورت تدریجی و ضمن ارتکاب نقض یک حق بشری مانند حق بر غذا از سوی دولت‌ها (با انگیزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی) علیه افراد انسانی، جنایت بین‌المللی یعنی تحمیل گرسنگی به وقوع می‌پیوندد و اینکه ظرفیت حقوق بین‌الملل از جمله در نظام حقوق بین‌الملل کیفری و نظام حقوق بین‌الملل بشر برای پیشگیری از وقوع این جنایت و راهکارهای مقابله با بی‌کیفری مرتکبین آن چیست. پاسخ به این مسئله در تضمین مؤثر موازین حقوق بشری بسیار مهم و حیاتی است و به‌مرور می‌تواند موجب تسریع و تسهیل تعقیب کیفری بین‌المللی نقض‌های شدید و فاحش حقوق بشری شود.

واژگان کلیدی

گرسنگی، حق بر غذا، جنایت بین‌المللی، اساسنامه رم، جنایت جنگی، حقوق بشر، ژنوسید، جنایت علیه بشریت

* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین
akbarnejad@soc.ikiu.ac.ir

hooriehhosseini@modares.ac.ir

** استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

کاربرد گرسنگی برای رسیدن به اهدافی معین، خصوصاً در زمان جنگ، قدمتی معادل تاریخ بشریت دارد. با وجود این، اولین مصداق تحمیل گرسنگی به افراد انسانی که در تاریخ ثبت شده، مربوط به جنگی در بین‌النهرین در دروان باستان است که با محاصره شهر، دسترسی مردم به منابع غذایی و مایحتاج زندگی منع شد.^۱ این اقدام در آن زمان و قرن‌های بعد، با محکومیت جدی مواجه نبود تا اواخر قرن بیستم که در نتیجه توسعه رویکرد حقوق بشری، از آن به‌عنوان جنایت بین‌المللی تعبیر شد تا جایی که بنا به تصریح کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، بین افرادی که در نتیجه گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند با افرادی که به دلیل عقاید سیاسی، محکوم به اعدام خودسرانه می‌شوند تفاوتی وجود ندارد.^۲

بنابراین، گرسنگی اجباری، زمانی به‌عنوان خشونت قبیله‌ای یا نفرت نژادی مورد پذیرش نبود اما امروز از مصداق نقش فاحش و شدید حقوق بشر و به منزله جنایت بین‌المللی قابل پیگرد است و در نتیجه سیاست‌های رهبران سیاسی با اهداف معین محقق می‌شود. قصور و کوتاهی در تولید و توزیع غذا و در نتیجه گرسنگی، از مصداق نقض حقوق بنیادین بشر است که در اسناد بین‌المللی متعدد و رویه نهادهای حقوق بشری بدان تصریح شده است. گرسنگی وسیع و قحطی، نتیجه طیف گسترده‌ای از اقدامات است که عمداً حیات جمعیت انسانی را در معرض تهدید قرار می‌دهد.^۳ بخشی از اقدامات مذکور در حقوق بین‌الملل ممنوع شده است. با وجود این برای احراز

1. Gillespie, A., *A History of the Laws of War: The Customs and Laws of War with Regards to Civilians in Times of Conflict*, Hart Publishing, 2011, Vol. 2, p. 53.

2. United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights, 'Fact Sheet No. 20: Human Rights and Refugee', available at: <https://www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet20en.pdf> (visited 1 October 2020).

۳. وقوع مخاصمه مسلحانه، یکی از علل کمبود غذا است که معمولاً مستمر است و احتمال دارد منتج به قحطی شود. زمانی که این اتفاق در جریان مخاصمه مسلحانه روی می‌دهد، معمولاً جامعه بین‌المللی مرگ و میر افراد انسانی را در نتیجه گرسنگی تحمل می‌کند. این در حالی است که قحطی در اغلب موارد، تحت کنترل بشر قرار دارد و قابل پیشگیری است. در مورد عملکرد دولت‌ها که زمینه‌ساز گرسنگی و قحطی است، همچنان سؤالات و ابهامات زیادی وجود دارد، از جمله اینکه آیا دولت مجاز است که اغلب منابع در اختیار خود را برای اقدامات نظامی اختصاص دهد و در نتیجه، به مردم و جمعیت غیرنظامی، محرومیت و گرسنگی را تحمیل کند و بخشی از تعهدات بین‌المللی حقوق بشری خود را نقض کند؟ یا اینکه آیا می‌تواند از بروز مخاصمه مسلحانه به‌عنوان بهانه‌ای برای انفعال و عدم اقدام مقتضی بهره جوید، در حالی که گرسنگی و قحطی منجر به مرگ و میر جمعیت غیرانسانی می‌شود؟ این‌ها بخشی از مسائل پیچیده موجود است. در پاسخ به عقیده برخی حقوق دانان، التزام به موازین حقوق بین‌الملل بشر خصوصاً حق بر غذا در زمان مخاصمات مسلحانه بسیار راهگشا خواهد بود. حق بر غذا به‌عنوان یکی از مصداق حقوق بشر، متضمن تعهد به احترام، حمایت و اجرا است که تعهدات مشخصی را در رابطه با مقابله با قحطی و گرسنگی بر دولت‌ها تحمیل می‌کند. نکته مهم، ارتباط حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم‌افزایی تعهدات بین‌المللی ذیل هر دو شاخه از حقوق است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

ارتکاب گرسنگی به‌عنوان جنایت بین‌المللی و اقدامی مجرمانه، لازم است افعال انجام‌گرفته طی ماه‌ها و حتی سال‌ها در تطبیق با عناصر مادی و معنوی جرم، بررسی و تحلیل شوند. البته به نظر می‌رسد نظام حقوق بین‌الملل کیفری معاصر برای مقابله با این جنایت دچار خلأهایی است و باید برای جرم‌انگاری و تعقیب این جنایت ضدبشری در مواردی در آن بازنگری شود. گرسنگی جنایتی است که با تصمیمات مقامات ارشد سیاسی و برای تأمین اهداف و اغراض سیاسی، نظامی یا اقتصادی دولت ارتکاب می‌یابد. این مقاله در صدد بررسی و تحلیل این مسئله است که چگونه به‌صورت تدریجی و ضمن ارتکاب نقض حق بشری مانند حق بر غذا از سوی دولت‌ها (با انگیزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی) علیه افراد انسانی، جنایت بین‌المللی یعنی تحمیل گرسنگی به وقوع می‌پیوندد و اینکه ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل از جمله در نظام حقوق بین‌الملل کیفری و نظام حقوق بین‌الملل بشر برای پیشگیری از وقوع این جنایت و راهکارهای مقابله با بی‌کیفری مرتکبین آن چیست. برای پاسخ به این مسئله، ضمن ارائه تعریف گرسنگی و ویژگی‌های آن، ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل کیفری برای مقابله با این اقدام ضدبشری بررسی می‌شود و نحوه پاسخگویی و تعقیب دولت ناقض حقوق بشر و وضعیت جرم‌انگاری و تعقیب کیفری مرتکبین آن در چارچوب اسناد و رویه قضایی و شبه قضایی داخلی و بین‌المللی تبیین خواهد شد.

۱. تعریف گرسنگی و ویژگی‌های کلیدی آن

در حال حاضر در حقوق بین‌الملل تعریف واحدی از «گرسنگی» ارائه نشده است و در هیچ معاهده‌ای تعریف دقیقی از آن دیده نمی‌شود.^۴ گرسنگی، هم روند و هم نتیجه است: به‌عنوان نتیجه، به منزله محرومیت از غذا تا سرحد مرگ است. معمولاً طی دو ماه محرومیت از غذا، به‌مرور عملکرد بدن و ذهن افراد سالم بزرگسال، مختل شده و فوت می‌کنند. همچنین روندی است که مانع می‌شود گروه‌های هدف، به مواد و ملزومات حیاتی دسترسی داشته باشند^۵ و هنگامی نگران‌کننده است که گروه‌های گسترده‌ای از افراد و جوامع مشمول این محرومیت قرار گیرند.^۶

اساسنامه رم در بند فرعی ۲۵، پاراگراف (ب) بند دوم ماده ۸ اساسنامه رم، گرسنگی را به این ترتیب جرم‌انگاری کرده است: «تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی، با

Hutter, Simone, "Starvation in Armed Conflicts: An Analysis Based on the Right to Food", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, Issue 4, September 2019, pp. 750–752.

4. Ventura, Manuel, "Prosecuting Starvation under International Criminal Law: Exploring the Legal Possibilities", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, No. 4, 2019, p. 3.

5. De Waal, A., *Mass Starvation: The History and Future of Famine*, Polity Press, 2017, pp. 15-17.

6. Conley, Bridget and de Waal, Alex, "The Purposes of Starvation Historical and Contemporary Uses", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, No. 4, 2019, p. 700.

محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های امدادی پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون‌های ژنو». این بند از ماده ۸ اساسنامه، ناظر به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) طراحی شده است. این در حالی است که تعریف موسع‌تری از گرسنگی مورد توجه است که عبارت است از «محروم کردن افراد غیرنظامی از اقلام و مواد ضروری برای حیات و بقا»، و بر این اساس، لزومی برای محدود کردن آن به زمان مخاصمات مسلحانه نیست.^۷ بنابراین، تعریف گرسنگی با حق بر غذا در نظام حقوق بین‌الملل بشر ارتباط نزدیک دارد. حق بر غذا به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی است که از نظر کیفیت و کمیت، مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف‌کننده باشد به نحوی که زندگی او را در بُعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی مناسب و بدون دغدغه باشد و از جمله متضمن تعهد به منع تحمیل گرسنگی به افراد انسانی باشد.^۸ کمیته حقوق بشر در نظریه تفسیری شماره ۶ در مورد حق حیات، ارتباط حق بر غذا و حق بنیادین‌هایی از گرسنگی را با حق حیات تأیید می‌کند.^۹ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در ۲۰۰۱ تأکید کرد که: «گرسنگی متضمن نقض شدید کرامت انسانی است و محو آن مستلزم تصویب اقدامات فوری در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است».^{۱۰}

با توجه به تعریف گرسنگی و عناصر مادی و معنوی این جنایت به نظر می‌رسد ارتباط مهمی

۷. از نظر تاریخی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مقررۃ خاصی را در مورد جرم‌انگاری و مجازات استفاده از گرسنگی در اساسنامه یا رویه قضایی احصا نکرده‌اند. البته با تبیین عناصر مادی و معنوی گرسنگی می‌توان احراز کرد که چگونه می‌توان آن را در چارچوب فعلی حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان جنایت علیه بشریت یا ژنوسید تحت پیگرد قرار داد. نکته قابل تأمل آن است که عدم اشاره صریح به جرم گرسنگی در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، مانعی قانونی برای پیگرد قانونی جنایت مزبور نیست. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Ventura, *op.cit.*, pp. 781-796.

۸. در حقیقت، تفسیر موسع از حق حیات، ارتباط مستقیم آن با سطح معیشتی مناسب و در نتیجه حق بر غذا را تأیید می‌کند. این دو مفهوم بیانگر دو حیطه از حقوق مرتبط با غذا است. بنابراین، تفکیک میان دغدغه‌های متنوع و گسترده مرتبط با امر تغذیه و دغدغه ضرورت اقدام فوری در خصوص گرسنگی و تغذیه بی‌کیفیت، اهمیت بسیاری دارد. معیاری که حق بر غذای کافی به رسمیت می‌شناسد، دسترسی به غذای کافی دارای شرایط کمیت و کیفیت است، در حالی که معیار حق بر رهایی از گرسنگی، نبود گرسنگی و تغذیه بی‌کیفیت است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: حسین فروغی‌نیا نقوی، محمد مرمتمی و علی نقوی مرمتمی؛ «ماهیت تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۳۸-۱۳۵.

۹. انصاری، محمدباقر، شکورا حاجی و علی اورک‌پور؛ «موازن وضع تحریم‌های شورای امنیت و وضعیت حقوق بشر در بررسی حق بر غذا به‌عنوان یکی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۵۵.

10. UN Commission on Human Rights, Resolution 2001/25, 20 April 2001, para. 1.

مقابله با گرسنگی در نظام حقوق بین‌الملل: از نقض حقوق بشر تا جنایت بین‌المللی ❖ ۱۰۷

میان مخاصمه مسلحانه و جنایت گرسنگی وجود ندارد. البته تا کنون هیچ شعبه‌ای از دیوان بین‌المللی کیفری فرصت احراز جنایت گرسنگی را نداشته است و در نتیجه رویه قضایی متقنی در این مورد وجود ندارد.^{۱۱}

گرسنگی و محرومیت دسترسی به غذا به‌عنوان نقض حقوق بشر و جنایت بین‌المللی، دارای شرایط و ویژگی‌های ذیل است:

۱. اقدامات مختلفی به‌عنوان تحمیل گرسنگی به افراد قلمداد می‌شود که فقط شامل تخریب یا منع دسترسی به منابع غذایی نیست بلکه شامل ممنوعیت یا محدودیت فعالیت‌هایی مانند اشتغال،^{۱۲} خرید و فروش یا جستجوی غذا نیز می‌شود.^{۱۳}
۲. گاهی گرسنگی در چشم‌اندازی وسیع به منزله سلاح جنگی یا سرکوب علیه افراد انسانی به کار گرفته می‌شود. محرومیت از غذا اغلب در ضمن مجموعه‌ای از اقدامات دیگر علیه جمعیت انسانی محقق می‌شود. ازجمله این اقدامات عبارت‌اند از خشونت مستقیم، خشونت جنسی، بی‌خانمان کردن، تخریب ملزومات زندگی و زیرساخت‌های انسانی. این امر خصوصاً در جریان مخاصمات مسلحانه و با وقوع حمله گسترده و سیستماتیک محقق می‌شود.^{۱۴} گرسنگی از این

11. Ventura, *op.cit.*, pp. 784-786.

12. اشغال نظامی می‌تواند تأثیرات مخربی در برخورداری جمعیت غیرنظامی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. همه جنبه‌های زندگی غیرنظامیان در اشغال بلندمدت دچار رکود خواهد شد و این امر با تعهد دولت اشغالگر برای تأمین زندگی مدنی افراد در سرزمین اشغالی در تناقض است. اشغال بلندمدت مانند سرزمین‌های اشغالی فلسطین، جامعیت نظام حقوقی فعلی اشغال را به چالش می‌کشد زیرا مانع برخورداری جمعیت غیرنظامی از حداقل استانداردهای زندگی می‌شود. دلیل اصلی آن است که فرض اولیه نظام حقوقی اشغال، موقت و کوتاه‌مدت بودن آن است. در این شرایط، برخی حقوق‌دانان بر این باورند که قوانین بین‌المللی حقوق بشر در توسعه تعهدات نیروی اشغالگر نقش اساسی مکمل را ایفا می‌کند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Giacca, Gilles, Nohle, Ellen, "Positive Obligations of the Occupying Power: Economic, Social and Cultural Rights in the Occupied Palestinian Territories", *Human Rights Law Review*, Vol. 19, Issue 3, 2019, pp. 491-515.

13. دیگر محرومیت‌های مرتبط نیز عبارت‌اند از: نادیده‌گرفتن سلامت عمومی، ازجمله منع دسترسی به آب سالم، اجبار مردم به تجمع در شرایط ناسالم و ازبین‌بردن امکانات و زیرساخت‌های بهداشتی، تخریب اماکن سکونت و اقامتگاه‌ها و کاهش ظرفیت‌ها و امکانات لازم برای مادران در نگهداری از کودکان، قطع ارتباطات و تخریب ساختار اجتماعی، اجبار مردم به نقض هنجارهای اجتماعی و اقدام علیه همدیگر.

14. ارتباط میان غذا و امنیت، خصوصاً در چارچوب مخاصمات مسلحانه و راهبردهای بشردوستانه در این زمینه، از جنبه‌های تقویت صلح خواهد بود. در این رابطه برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند برنامه جهانی غذای ملل متحد (the United Nations World Food Programme (WFP))، صورت جامع، ریشه‌ای و پایدار این مسئله را مورد توجه قرار داده‌اند. ایجاد ساختارهای حقوقی مقتضی، اقدامات بین‌المللی و تلاش‌های بشردوستانه و توسعه، ازجمله راهبردهای مدنظر است. محور کلیدی و مهم آن است که به هر نحو ممکن، مشارکت جامعه بین‌المللی در واکنش به جنایت گرسنگی علیه غیرنظامیان جلب شود. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

منظر صرفاً کاهش دسترسی به غذا نیست بلکه زمینه‌ساز نقض سلامت فردی و اجتماعی و موجب بروز مرگ و میر در سطح گسترده است.^{۱۵} در زمان محرومیت‌ها، سوء‌تغذیه افزایش می‌یابد. از این رو برخی قائل‌اند اقدامات ناقص بهداشت و سلامت جامعه نیز ذیل جنایت گرسنگی به شمار می‌آید.

۳. ویژگی سوم این است که گرسنگی با سایر عوامل محرومیت تلاقی می‌کند: برخی عوامل بیرونی هستند مانند تهدیدات زیست‌محیطی، بلایای طبیعی و بحران‌های اقتصادی و برخی دیگر داخلی، مانند نابرابری‌های اقتصادی و سیاست‌های منجر به ریاضت‌های اقتصادی، اعم از اینکه به صورت عمدی یا از روی خطا محقق شوند.^{۱۶}

۴. ویژگی مهم دیگر گرسنگی، استمرار و بلندمدت بودن آن است و اینکه به صورت روند ممکن است طی ماه‌ها یا سال‌ها بر یک جمعیت انسانی تحمیل شود. طی این مدت، علائم و اختلالاتی مانند پریشانی و اضطراب اجتماعی، کاهش رفاه تا افزایش مرگ و میر مشهود است.^{۱۷}

۲. ضرورت عزم جامعه بین‌المللی برای مقابله با گرسنگی

گرسنگی در سطحی وسیع و با انجام اقدامات متعدد از جمله عدم دسترسی به غذا و آب و محرومیت از امکانات لازم برای مراقبت‌های اساسی از افراد بشر خصوصاً کودکان وقوع می‌یابد و باعث کاهش جمعیت می‌شود. این اقدامات در یک دوره زمانی موجب مرگ و میر افراد انسانی در

Lander, Brian and Vetharanim Richards, Rebecca, "Addressing Hunger and Starvation in Situations of Armed Conflict — Laying the Foundations for Peace", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, No. 4, 2019, pp. 677–679.

۱۵. بیماری‌های واگیردار از جمله عوامل مرگ و میر انسان‌ها در زمان قحطی و محرومیت دسترسی به غذا است. اضطراب ناشی از مهاجرت و جابه‌جایی، ازدحام بیش از حد و فقدان آب سالم و زیرساخت‌های بهداشتی، شرایط مناسبی را برای شیوع بیماری‌های واگیردار مانند وبا، مالاریا و سرخک ایجاد می‌کنند. حساسیت و آسیب‌پذیری با عواملی مانند سوء‌تغذیه، اضطراب، در معرض گرم‌بودن و فقدان مراقبت لازم از کودکان افزایش می‌یابد. به عقیده برخی اندیشمندان، بین عدم امنیت غذایی و مراقبت و سلامتی رابطه مستقیم وجود دارد.

Young, H. and Jaspars, S., "Review of Nutrition and Mortality Indicators for the IPC: Reference Levels and Decision-making", September 2009, available online at <https://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/5636.pdf> (visited 1 October 2019), at 78.

۱۶. همچنین در صورت وجود نابرابری، نظام سلسله‌مراتبی یا استثمار در جامعه، این ویژگی‌ها در دوران قحطی تشدید خواهد شد و این عوامل اجتماعی، سرعت مرگ و میر را در شرایط گرسنگی و قحطی بسیار افزایش می‌دهد. تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در مرگ و میر افراد ناشی از گرسنگی، برای پیگرد افراد متخلف یا مجرم، امری دشوار و پیچیده است و ملاک‌هایی مانند عدم امنیت غذایی عمومی، توسعه‌نیافتگی، نظام و ساختار سلامت ضعیف، عوامل محیطی یا اقلیمی مؤثر بر کشاورزی یا ماهی‌گیری، بحران اقتصادی و عواقب ناشی از مخاصمات مسلحانه در جهت تعدیل و تخفیف مسئولیت مستقیم مرتکبین مورد توجه است.

17. Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 700-702.

شرایطی مملو از خشونت می‌شود. حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشر متضمن ممنوعیت اقداماتی است که فرآیند گرسنگی را ایجاد و تثبیت می‌کنند.

با توجه به روند و طیف گسترده‌ای از اقدامات که منتهی به گرسنگی وسیع در میان جمعیت انسانی می‌شود، برخی حقوق‌دانان، اصطلاح «جنایات گرسنگی»^{۱۸} را پیشنهاد داده‌اند و برخی دیگر، اصطلاح «جنایات وحشیانه»^{۱۹} را مطرح کرده‌اند. نکته مهم آن است که جنایت تحمیل گرسنگی به افراد انسانی مشتمل بر اقدامات متعددی است که ممکن است در قوانین و مقررات مختلف به نحوی احصا و جرم‌انگاری شده باشند، اما در زمان معین با رهیافتی سیاسی، منتهی به مرگ و میر گسترده افراد بشر در یک اجتماع می‌شوند. ممنوعیت تحمیل گرسنگی، در قوانین ناظر به مخاصمات مسلحانه احصا شده است. حمله به منابع ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است (ماده ۵۴ پروتکل الحاقی ۱ و ماده ۱۴ پروتکل الحاقی ۲ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و قوانین حقوق بین‌الملل عرفی). چنین اقدامی در پاراگراف (ب) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم نیز جرم‌انگاری شده است.

دیگر جنایات جنگی مرتبط با گرسنگی عبارت‌اند از قتل عمد، شکنجه یا رفتار غیرانسانی، تخریب گسترده اموال، حمله عامدانه علیه جمعیت یا اهداف غیرنظامی، غارت و مانند آن. علاوه بر این، تحمیل گرسنگی، اگر علیه جمعیت غیرنظامی به صورت گسترده یا سیستماتیک صورت گیرد، ممکن است از مصادیق جنایت علیه بشریت مانند قتل، نابودی، آوارگی اجباری، آزار و اذیت یا سایر اقدامات غیرانسانی قلمداد شود. همچنین چنانچه این اقدامات، اگر با قصد خاص از بین بردن کلی یا جزیی یک گروه ارتکاب یابد، ذیل عنوان ژنوسید یا نسل‌کشی مطابق بند (ج) ماده ۲ کنوانسیون ژنوسید نیز قابل تعقیب خواهد بود.^{۲۰}

همچنین در نظام حقوق بین‌الملل بشر، گرسنگی، نقض حق بر غذا، و ممنوع است.^{۲۱} به این ترتیب به نظر می‌رسد زمینه برای وکلا و فعالان حقوق بشری فراهم است که با استدلال و ارائه مستندات حقوق بشری برای حمایت از افراد انسانی بی‌گناه و گرفتار در تنگنای گرسنگی و

18. Starvation crimes

19. Atrocity crimes

20. Ventura, *op.cit.*, pp. 783-785.

۲۱. حق بر غذا در نظام حقوق بین‌الملل بشر، زمانی تحقق می‌یابد که هر مرد، زن و کودکی به‌تنهایی یا به‌صورت جمعی با دیگران، توانایی دسترسی اقتصادی و فیزیکی در همه زمان‌ها به مقدار کافی غذا یا ابزار تهیه غذا داشته باشد. ۲۱ محور اصلی تعریف حق بر غذا متضمن فراهم‌بودن و در دسترس‌بودن میزان کافی غذا از منظر کمی و کیفی برای ارضای نیازهای رژیم غذایی افراد، رهایی از مواد مضر و قابل پذیرش‌بودن از منظر فرهنگ اجتماعی حاکم است. ن.ک: فرهاد طلایی و علی زرم خواه؛ «تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر غذا با توجه به ماده یازدهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۲۱.

محروریت از ملزومات حیاتی اقدام مقتضی کنند.^{۲۲} برای ارتکاب جرم گرسنگی، آستانه شدت نیز ملحوظ است، هرچند معیارهای موجود در مورد قحطی، گویای شرایطی است که خیلی طاقت-فرسا نیستند. به‌عنوان نمونه، برخی ملاک‌های بین‌المللی^{۲۳} بر شدت سوء‌تغذیه، مرگ و میر و بحران غذایی در یک منطقه جغرافیایی خاص تمرکز دارد. نکته مهم آنکه برای احراز جنایت گرسنگی اجباری حتماً نباید فقط روی مرگ و میر و رنج جمعیت غیرنظامی (قحطی) به‌عنوان عاملی برای احراز مسئولیت کیفری مرتکبین تمرکز شود بلکه وخامت طولانی‌مدت و گسترده شرایط (وضعیت اضطراری) برای احراز جنایت کافی است چرا که اگر یک جمعیت وسیع برای ماه‌ها یا سال‌ها وضعیت اضطراری را سپری کنند ممکن است دچار مرگ و میر گسترده شوند و با فاجعه قحطی بزرگ (با بیش از ۱۰۰ هزار کشته) مواجه شوند.^{۲۴} به این ترتیب کاملاً مشخص است که چگونه در فرایند بلندمدت گرسنگی ممکن است قحطی گسترده به‌صورت تدریجی و بدون اعلام رسمی به وقوع بپیوندد^{۲۵} و همین امر، ضرورت و اهمیت پیشگیری از گرسنگی و مقابله با آن را در نظام حقوق بین‌الملل مضاعف می‌کند.

۳. گرسنگی یا نقض حق بر غذا در نظام حقوق بین‌الملل بشر

حق بر غذا در زمره حقوق بشر نسل دوم یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که دولت،

۲۲. نباید شواهد کاربرد راهبردی از گرسنگی را به مصادیقی خاص محدود کرد بلکه باید با رهیافتی موسع، اقدامات عاملان که گرسنگی دسته‌جمعی را هدف خود قرار داده‌اند مورد توجه قرار گیرد. در واقع در احراز جنایت گرسنگی، هم ایجاد عمدی قحطی و هم بی‌احتیاطی منجر به وقوع آن در حقوق بین‌الملل کیفری معاصر ممنوع است. بی‌احتیاطی وقتی جنایت بین‌المللی تلقی خواهد شد که مقامات سیاسی، یا می‌دانند یا طبق ادله موجود باید بدانند که گرسنگی دسته‌جمعی نتیجه اقدامات آن‌ها بوده است یا خواهد بود و سپس آن‌ها بی‌پروا به این سیاست‌ها ادامه می‌دهند علی‌رغم اینکه متوجه بروز قحطی و گرسنگی در میان جمعیت انسانی می‌شوند. ن.ک:

Marcus, D., "Famine Crimes in International Law", *American Journal of International Law*, Vol. 97, 2003, pp. 245-281.

23. Integrated Food Security Phase Classification (IPC), Technical Manual Version 2.0: Evidence and Standards for Better Food Security Decisions (2012), available online at <http://www.fews.net/sites/default/files/uploads/IPC-Manual-2-Interactive.pdf> (visited 1 October 2020).

۲۴. به‌طور مثال در سودان جنوبی در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ فقط وضعیت دو استان برای چند ماه در سطح قحطی ارزیابی شد که چندین هزار نفر از بین رفتند اما وضعیت بیش از نیمی از کشور برای دو سال بیشتر در سطح اضطرار و نیمه‌اضطرار ارزیابی شد که مرگ بیش از ۳۸۰ هزار را در پی داشت و نیمی از ایشان در نتیجه گرسنگی و دلایل مرتبط، و نیمی هم به دلایل خشونت‌های مختلف جان خود را طی این مدت از دست دادند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Checchi, F. and others, "Estimates of crisis-attributable mortality in South Sudan, December 2013-April 2018: A Statistical Analysis", *London School of Hygiene and Tropical Medicine*, September 2018, available online at <https://www.lshtm.ac.uk/south-sudan-full-report> (visited 1 October 2020), at 2.

25. Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 702-704.

مسئول رعایت، حمایت و ایفای آن است. البته برخی بر این باورند که حق بر غذا حقی است اساسی یا به عبارت دیگر، در مرکز چهارراه حقوق قرار دارد، چرا که غذا بنیادی‌ترین نیاز اولیه بشر برای زنده ماندن است و تمام حقوق، اصولاً برای انسان زنده معنا می‌یابند.

۳-۱. چارچوب حقوقی حمایت از حق بر غذا در اسناد بین‌المللی

حق بر غذا در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۷ و قسمت (ج) از بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر در اسلام قاهره تصریح شده است. تعاریف متعددی برای حق بر غذا ارائه شده است اما به نظر می‌رسد حق بر غذا در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر از دو جزء «حق بر غذای کافی» و «رهایی از گرسنگی» تشکیل یافته است. این دو رکن در بندهای ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انعکاس یافته است.^{۲۶} ماده ۱۱ یکی از کلی‌ترین مواد میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و مسائلی را دربرمی‌گیرد که معمولاً در موضوع «توسعه» بدان توجه می‌شود.^{۲۷} آن‌چنان که از بند ۱ این ماده برمی‌آید، حق بر استاندارد مناسب زندگی شامل حق بر غذا، مسکن و پوشاک است. حق بر استاندارد مناسب زندگی دربرگیرنده تمامی حقوق اقتصادی و اجتماعی است که برای یکپارچه‌سازی شخص در جامعه انسانی ضروری است.^{۲۸} این حق با اصل حاکم بر کل نظام

۲۶. انصاری و دیگران، همان، ص ۱۴۴.

۲۷. حق بر غذا و رهایی از گرسنگی از جمله حقوق چندوجهی است که با دیگر شاخه‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق تجارت بین‌الملل نیز ارتباط بسیار دارد. به‌طور نمونه، برخی سازمان‌های غیردولتی (NGOs) ادعا کرده‌اند اشخاص واسطه، با بازی در قیمت مواد غذایی، از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به بحران جهانی غذا کمک کرده‌اند. قراردادهای آتی کالاها، در تجارت مواد غذایی به‌عنوان نوعی بیمه کشاورزی مورد توجه است و عمدتاً برای تثبیت قیمت کالاها استفاده می‌شود. البته در عمل بنا به اذعان برخی بازیگران دولتی و غیردولتی، منجر به نقض حق بشری افراد در دسترسی به برای غذای کافی شده است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Chadwick, Anna E., "Gambling on Hunger? The Right to Adequate Food and Commodity Derivatives Trading", *Human Rights Law Review*, Vol. 18, Issue 2, 2018, pp. 233-235.

۲۸. حق بر غذا شامل حق یاری‌رساندن به فردی است که نمی‌تواند از خویشتن مراقبت کند. البته این نکته در مورد حق بر غذا بیشتر حائز اهمیت است که حق بر غذا حقی است که بر اساس آن هر فرد بتواند تغذیه در شأن خویش داشته باشد. این حق همچنین شامل دسترسی به منابع و ابزارهایی برای تأمین معیشت هر فرد نیز هست. موارد دیگر شامل دسترسی به زمین، امنیت و رفاه، دسترسی به آب و بذر، اعتبارات، فناوری و بازارهای محلی و منطقه‌ای و خصوصاً برای اقشار آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض، دسترسی به مناطق قدیمی ماهی‌گیری برای جوامع ماهی‌گیری که به این مناطق برای تأمین معاش خویش وابسته‌اند، دسترسی به سطحی از درآمد کافی برای کارگران شهری و روستایی که بتوانند افزون بر دسترسی به امنیت اجتماعی و کمک‌های اجتماعی برای افراد بسیار محروم، زندگی در شأن خود داشته باشند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: فروغی‌نیا و دیگران؛ همان، صص ۱۳۶-۱۳۵.

بین‌المللی حقوق بشر یعنی اینکه همه انسان‌ها آزاد متولد شده و از نظر حقوق و شأن با یکدیگر برابرند و باید با یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند رابطه نزدیکی دارد.^{۲۹}

بنابراین حق بر غذا در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر دارای مفهومی موسع است که با حق حیات، حق سلامت و حق برخورداری از سطح معیشتی مناسب مرتبط است و البته نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که شرایط اقتصادی، اجتماعی و به‌طور کلی اوضاع و احوال جوامع در تبیین قلمرو این حق بسیار تأثیرگذار خواهد بود.^{۳۰} تعریفی که از حق رهایی از گرسنگی ارائه شده عبارت است از حق بر دسترسی داشتن به میزان حداقل ضروری از غذا که برای تضمین رهایی فرد از گرسنگی و آسیب‌های جسمی که به مرگ می‌انجامد کافی باشد.^{۳۱}

به اعتقاد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بر غذای کافی متضمن فراهم‌بودن غذا با کمیت و کیفیت مناسب و عاری از مواد مضر است، برای برآوردن نیازهای رژیم غذایی افراد به نحوی که در چارچوب فرهنگ رایج قابل قبول باشد و نیز در دسترس بودن چنین

۲۹. ابراهیم گل، علیرضا؛ «حق بر غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست‌ونهم، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۲۴.

۳۰. به‌عنوان نمونه، همه‌گیری کووید-۱۹ به منزله بحرانی بشری، امنیت غذایی و تغذیه میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان تهدید کرده است که در بلندمدت، کارکرد سیستم‌های غذایی را در کشورهای مختلف با اختلال مواجه خواهد کرد و برای پیشگیری از بروز فاجعه بشری لازم است در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اقداماتی همسو در جهت بهبود و تقویت تولید و مصرف غذا و همسو با شاخص‌های توسعه پایدار اتخاذ و همکاری‌های بین‌المللی صورت گیرد. برخی مقررات و اقدامات محدودکننده برای کنترل شیوع کووید-۱۹ از جمله قرنطینه خانگی، تحدید عبور و مرور درون مرزی و فرامرزی و نیز تعطیلی برخی مشاغل، بازارها و کارخانه‌ها، دسترسی برخی افراد را به مواد غذایی ضروری با مشکلاتی مواجه کرده است. همچنین افزایش بیکاری و کاهش درآمد خانوار، بروز هزینه‌های درمانی غیرقابل پیش‌بینی و در نتیجه افزایش جمعیت فقیر در عصر همه‌گیری کووید-۱۹ از جمله موانع دیگر در دسترسی میلیون‌ها انسان به غذای کافی و سالم است. بنا بر تأکید نهادهای بین‌المللی، گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله سالمندان، معلولین، زنان، کارگران کشاورزی و در مناطق روستایی، کارگران مهاجر، پناهندگان، افراد بی‌خانمان، کارگران فصلی و روزمزد و اقشار کم‌درآمد از جمله گروه‌هایی هستند که برای دسترسی به غذا نیازمند حمایت مضاعف هستند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

United Nations, "Policy Brief: The Impact of COVID-19 on Food Security and Nutrition", June 2020, pp. 3-12.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حق بر غذا، در گزارش اخیر خود تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر محدودیت دسترسی به غذا را بسیار جدی توصیف کرده است. وی از بیکاری گسترده افراد و تعطیلی مدارس به‌عنوان مرجع تغذیه کودکان و نوجوانان در بسیاری از مناطق جهان ابراز نگرانی کرده است. همچنین پیوند حق بر غذا با اصل کرامت انسانی از دیگر محورهای مورد تأکید گزارشگر ویژه است که خصوصاً در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ لازم است بیش از پیش مورد توجه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد تا همه افراد جامعه بدون اعمال تبعیض بر مبنای سن، جنس، موقعیت اجتماعی یا اقتصادی و ... به غذای کافی و سالم دسترسی داشته باشند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

The Report of the Special Rapporteur on the Right to Food: The Right to Food in the Context of International Trade Law and Policy, 22 July 2020, paras. 3-8, 34-38.

۳۱. انصاری و دیگران؛ همان، صص ۱۴۷ و ۱۵۴-۱۵۳.

غذایی به شکل پایدار و به نحوی که با بهره‌مندی افراد از سایر حقوق بشر تعارض پیدا نکند.^{۳۳} از منظر کمیته، حق بر غذا به گونه‌ی جداناپذیری با کرامت انسانی مرتبط است و برای بهره‌بردن از سایر حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری ضروری به شمار می‌رود. یکی از دلایل تأکید کمیته بر پیوستگی حق بر غذا با کرامت انسانی، روشن‌ساختن هرچه بیشتر مفهوم حق بر غذای کافی و تفکیک آن از حق بر رهایی از گرسنگی است چرا که حق بر رهایی از گرسنگی یک رویکرد حداقلی به مسئله تغذیه داشته و بر تحقق نیازهای اساسی برای بقای فرد دلالت دارد، در حالی که حق بر غذای کافی، مفهومی موسع‌تر است که مستلزم سطح و نوعی از غذا است که سازگار با شأن و منزلت انسانی باشد. این نکته بسیار حائز اهمیت است که حق رهایی از گرسنگی در تمام رویکردها به‌عنوان «حق بنیادین» بشری شناخته شده است.^{۳۳}

به اعتقاد کمیته، نقض حق بر غذا به طرق مختلف رخ می‌دهد: یک حالت هنگامی است که دولت عضو در تضمین بهره‌مندی از حداقل غذایی که برای رهایی از گرسنگی لازم است قصور کند. البته در تضمین اینکه چه افعال یا ترک فعل‌هایی به نقض حق بر غذا می‌انجامد باید میان عدم توانایی و عدم تمایل دولت عضو برای اجرای میثاق تفکیک قائل شد. در صورتی که دولتی مدعی شود محدودیت منابع موجب شده که نتواند دسترسی به غذای کافی را برای اشخاصی که خود قادر به چنان دسترسی نیستند میسر سازد باید اثبات کند که تمامی اقدامات لازم برای استفاده از منابع موجودش را برای تحقق آن حداقل انجام داده است. حالت دوم، اعمال تبعیض در دسترسی به غذا و وسایل بهره‌مندی از آن بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، سن، مذهب، عقیده سیاسی، منشأ نژادی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا دیگر وضعیت‌ها است. حالت سوم، نقض حق بر غذا از طریق اقدام مستقیم دولت ارتکاب می‌یابد که برخی از مصادیق آن عبارت‌اند از جلوگیری از دسترسی به کمک‌های غذایی بشردوستانه در مخاصمات داخلی یا دیگر وضعیت‌های اضطراری، تصویب قوانین یا اتخاذ سیاست‌هایی که آشکارا با تعهدات یک دولت در ارتباط با حق بر غذا مغایر باشد،^{۳۴} قصور در پیگرد اشخاص یا گروه‌هایی که مانع از دسترسی دیگران به غذا می‌شوند و عدم توجه دولت به تعهدات بین‌المللی خود در ارتباط با حق بر غذا به هنگام انعقاد معاهدات با دیگر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی.^{۳۵}

در مجموع، حق بر غذا دارای دو حق متمایز است: الف) حق دسترسی همه مردم به غذای سالم مطابق با استاندارد از طریق خودکفایی در تولیدات داخلی که تعهدات این حق، جزء تعهدات

32. CESCR, General Comment No. 12: The Right to Adequate Food (Art. 11), E/C.12/1999/5, para. 12.

۳۳. انصاری و دیگران؛ همان، ص ۱۴۴.

34. CESCR, General Comment No. 12: The Right to Adequate Food (Art. 11), E/C.12/1999/5, paras. 17-19.

۳۵. ابراهیم‌گل؛ همان، صص ۲۳۱-۲۳۰.

به وسیله، و مستلزم سرمایه‌گذاری در بلندمدت است؛ ب) حق بنیادین رهایی از گرسنگی. از آنجا که حق رهایی از گرسنگی به معنی حق دسترسی به حداقل غذای لازم برای رهایی از گرسنگی و مرگ است و جزء حقوق بنیادین بشری بوده و تحت هر شرایطی حتی در بلایای طبیعی غیرقابل عدول است، تعهدات دولت‌ها در این زمینه جزء تعهدات به نتیجه است و دولت‌ها تعهد فوری جهت اطمینان از حق بنیادین رهایی از گرسنگی دارند و باید حداقل غذای مردم نیازمند را فراهم کنند. در تعهد به احترام به حق بر غذا، به منع استفاده از گرسنگی به‌عنوان یک روش جنگی اشاره شده است که تحت شرایطی خاص، جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شود. تعهد به احترام جهت دسترسی به غذای کافی مستلزم آن است که دولت‌های عضو از هرگونه اقدامی که به جلوگیری از دسترسی بینجامد احتراز کنند. تعهد به حمایت، مستلزم اتخاذ تدابیری است که تضمین کند اشخاص و شرکت‌ها، دیگر افراد را از دسترسی به غذای کافی محروم نمی‌کنند.^{۳۶} این تعهد نیازمند تأمین منابع نیست بلکه باید متعهد شوند که اقدامات زیان‌آور در راستای نقض حق بر غذا علیه دیگر کشورها انجام ندهند و از اتخاذ اقدامات یا تصمیمات در سطح سازمان‌های بین‌المللی که منجر به نقض حق بر غذا در دیگر کشورها می‌شود جلوگیری کنند.^{۳۷} از دیگر مفاهیم مرتبط با حق بر غذا در نظام حقوق بین‌الملل بشر، مفهوم «امنیت غذایی» است که از دهه ۱۹۷۰ طرح شده است. مفهوم امنیت غذایی همواره با حق بر غذا پیوستگی داشته و هدف

۳۶. در تعهد به احترام، هر اقدامی که منجر به جلوگیری از دسترسی غذا شود منع شده است. برای نمونه، ممانعت از کمک‌های بشردوستانه غذایی به مخالفان، مصداق بارز نقض تعهد به احترام است و همچنین در تعهدات به احترام، دولت‌ها باید برای اطمینان از رسیدن غذای کافی و سالم به شهروندان در سیاست‌های برنامه خود تجدیدنظر کنند و عدم تجدیدنظر در این زمینه، مصداق بارز نقض تعهد به احترام است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در رابطه میان تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده است که می‌بایست تمایزی میان هدف اصلی اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی به قشر حاکم دولت برای همگام‌شدن با مقررات حقوق بین‌الملل و به‌موازات آن، تحمیل فشار بر آسیب‌پذیرترین افراد درون دولت مورد هدف صورت گیرد. حتی شورای امنیت نیز در اعمال تحریم‌ها با محدودیت‌هایی به-موجب مقررات حقوق بین‌الملل عام، قواعد امره، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مواجه است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: فروغی‌نیا و دیگران؛ همان، صص ۱۴۸-۱۴۷.

۳۷. در این تعهد دولت‌ها همچنین نباید از غذا و آب به‌عنوان ابزار فشار سیاسی و اقتصادی علیه دیگر کشورها استفاده کنند. جلوگیری از کمک‌های غذایی، استفاده از مین‌های زمینی که منجر به عدم تولید مواد غذایی و عدم ارسال کمک‌های بشردوستانه می‌شوند و همچنین به‌کارگیری تحریم‌ها علیه دولت دیگر، همگی از مصادیق بارز نقض تعهد به احترام به حق غذا هستند. در مخاصمات مسلحانه، تعهد به حمایت مستلزم آن است که دولت‌ها اقدامات مناسبی جهت جلوگیری از گروه‌های مسلح و سایر بازیگران غیردولتی از غارت مواد غذایی و محروم‌کردن شهروندان از دسترسی به غذا تدابیری اتخاذ کنند. عدم اقدام مناسب، تخطی از تعهد به حمایت محسوب می‌شود. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: اسفندیاری و میرعباسی؛ همان، صص ۱۷۱-۱۶۹.

مشترک هر دو، مبارزه با گرسنگی است.^{۳۸} شاخص‌های امنیت غذایی شامل قیمت غذا، نرخ دستمزد، مصرف سرانه غذا، تعداد وعده‌های غذایی، نرخ اشتغال و... است.^{۳۹} حق بر رهایی از گرسنگی و مفهوم جدید حق بر امنیت غذایی در عین ارتباط کامل با یکدیگر، ذیل حق بر غذا که حقی مرکب است قرار دارند و البته هریک دارای ویژگی‌های منحصر به فرد هستند و لذا متمایزند.^{۴۰} از جمله وجوه ممیز آن‌ها این است که دولت‌ها مکلف به تأمین حداقل‌های لازم برای تضمین رهایی افراد از گرسنگی و فراهم کردن زمینه‌های تحقق تدریجی حق بر غذای کافی افراد هستند. بنابراین تعهد دولت در حق بر رهایی از گرسنگی، فوری و در حق بر غذا، تدریجی یا برنامه‌ای است.^{۴۱} باید توجه داشت که رهیافت مبتنی بر حق بر غذا نسبت به امنیت غذایی با سایر رهیافت‌ها نسبت به آن متفاوت است و ملاحظات مربوط به امنیت غذایی را به ملاحظات مربوط به شأن و منزلت انسانی، احترام به حقوق انسان‌ها، شفافیت، پاسخگویی و توانمندسازی پیوند می‌زند.^{۴۲}

۳۸. انصاری و دیگران؛ همان، صص ۱۴۷ و ۱۵۵-۱۵۲.

۳۹. ثبات در غذا بر این جنبه تأکید دارد که فراهم‌بودن دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا و مفیدبودن آن باید پایدار باشد و عواملی از قبیل بی‌ثباتی در قیمت غذاهای عمده در بازار، ناکافی‌بودن سیستم تأمین غذا، بلایای طبیعی، تغییرات جوی، مخاصمات مسلحانه، بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و... بر این جنبه از امنیت غذایی تأثیر دارند. به این ترتیب، نامنی غذایی زمانی وجود دارد که افراد در نتیجه عدم دسترسی به غذا، عدم دسترسی اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی یا استفاده نامناسب از غذا دچار سوءتغذیه شده باشند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: اسفندیاری و میرعباسی؛ همان، ص ۱۶۶.

۴۰. برخی حقوق‌دانان معتقدند با وجود فعالیت‌های فزاینده در مورد حق بر غذا در دهه گذشته، در مورد چگونگی درک درست مردم و پیامدهای آن، کاوش کمی صورت گرفته است. به‌طور نمونه، پس از بحران جهانی غذا در ۲۰۰۸، افراد در معرض گرسنگی، حق بر غذا را در مناطق مختلف آفریقا، آسیا و امریکای لاتین با معنای متفاوت درک کردند. درک از حق بر غذا به‌عنوان لازمه «حس مشترکی» است که در فضای عمومی جامعه و در گروه‌های مختلف به اشتراک گذاشته می‌شود، و بخشی از مذاکرات و تعاملات مردم در زندگی روزمره در مورد حق بر غذا است. به این ترتیب، با وجود اینکه مضمون این حق و تعهدات ناظر بر آن در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل بشر تبیین شده است، به عقیده برخی حقوق‌دانان، مناسبات داخلی و واقعیت‌های زندگی مردم در جوامع محلی در شکل‌گیری آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Hossain, Naomi and Lintelo, Dolf te, "A Common Sense Approach to the Right to Food", *Journal of Human Rights Practice*, Vol. 10, Issue 3, November 2018, pp. 380-387.

۴۱. انصاری و دیگران؛ همان، صص ۱۴۷ و ۱۵۵-۱۵۲.

۴۲. چنین رهیافتی متضمن اولویت‌بخشیدن به شأن انسانی و تبدیل انسان به عامل تغییر است، به گونه‌ای که او را قادر سازد تا دولت را وادار به پاسخگویی کند و در موارد نقض حقوق‌اش به دنبال جبران خسارت باشد. رهیافت مذکور مبتنی بر اهداف سیاسی مبهم و متغیر نیست که دستخوش بازتعریف مقطعی می‌شوند، بلکه مبتنی بر تکالیف معینی است که قابل تمیز از یکدیگر بوده و به‌طور مستمر دقیق‌تر می‌شوند و بر عهده دولت‌ها قرار دارند. در واقع به همین دلیل نباید حق بر غذا را صرفاً ابزاری برای تحقق امنیت غذایی پنداشت، چرا که به خودی خود یک هدف متمایز محسوب می‌شود. امنیت غذایی و حق بر غذا در گفتمان سازمان ملل متحد نیز مؤید رهیافت‌های دوگانه نسبت به حق بر غذا و امنیت غذایی است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: فروغی‌نیا و دیگران؛ همان، صص ۱۴۲-۱۳۹.

در رابطه با حمایت از حق غذا و مقابله با گرسنگی در حقوق بین‌الملل بشر، دو نکته قابل ذکر است:

اول اینکه گرسنگی دلایل پیچیده‌ای دارد و می‌تواند با فعل یا ترک فعل‌های بازیگران مختلف از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی، اتحادیه‌های بین‌المللی و شرکت‌های فراملی تشدید شود.^{۴۳}

دوم، ناکارآمدی تضمین حق بر غذا و راهکار حقوقی مؤثر مقابله با نقض آن و تحمیل گرسنگی بر افراد انسانی در نظام حقوق بین‌الملل بشر است که علی‌رغم تمهید حق دادخواهی فردی در چارچوب پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به دلیل ماهیت خاص و چندوجهی آن، با چالش‌هایی مواجه است زیرا تعهد به ایفای حق دسترسی به مواد غذایی، به منابع و بودجه کافی نیاز دارد و اغلب تدریجی است.^{۴۴} با توجه به این ملاحظه، در سطوح داخلی و بین‌المللی، رویه قضایی و شبه قضایی اندکی در این زمینه وجود دارد که مروری بر آن خواهد شد.

۲-۳. حمایت از حق بر غذا در رویه قضایی و شبه قضایی داخلی و بین‌المللی

بنا بر تصریح کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظریه تفسیری شماره ۱۲، همه قربانیان نقض حق بر غذا، مستحق دادخواهی مؤثر و مطالبه خسارت در سطح ملی هستند که ثمره آن مشتمل بر مواردی مانند اعاده وضع به حالت سابق، غرامت، جلب رضایت و تضمین عدم تکرار است.^{۴۵} دادخواهی مؤثر و جبران خسارت ناشی از نقض حق بر غذا بستگی به ماهیت نقض ارتكابی دارد. به عنوان مثال اگر نقض ارتكابی در قالب قانون، سیاست دولت یا اقدام رسمی باشد، ممکن است دادگاه بر اساس تعهد منفی احترام به حق غذا اعلام کند که قانون و سیاست مذکور نامعتبر است، یا قرار توقف رفتار غیرقانونی را صادر کند. علاوه بر این ممکن است به مقام مربوط دستور دهد قانون را اصلاح یا مصوبه‌ای تصویب کند که از وقوع تخلف تهدیدآمیز ممانعت می‌کند. در رابطه با تعهد مثبت به حمایت از حق بر غذا ممکن است دادگاه دولت را به اجرای قانون یا تدوین و اجرای برنامه معقول ملزم کند. طبق رویه قضایی موجود، طیف گسترده‌ای از طرق جبران خسارت با توجه به منابع موجود، حیطة صلاحدید دادگاه، شناسایی تدریجی حقوق و

۴۳. برای مطالعه بیشتر، ن.ک.:

Feunteun, Tristan, "Cartels and the Right to Food: An Analysis of States' Duties and Options", *Journal of International Economic Law*, Vol. 18, Issue 2, June 2015, pp. 341-382

۴۴. اسفندیاری و میرعباسی؛ همان، صص ۱۷۴-۱۷۳.

45. CESCR, General Comment 12, *op.cit.*, para. 32

تفکیک قوا قابل اعمال است.^{۴۶} برخی از مهم‌ترین قضایای مرتبط با حق بر غذا در رویه قضایی و شبه قضایی داخلی و بین‌المللی به ترتیب ذیل است:

الف. رویه دادگاه‌های داخلی

دیوان عالی سوئیس در قضیه *Gebrüder V. v. Regierungsrat des Kanton Berns* خلاً صلاحیت قانونی برای اولویت‌گذاری و اختصاص منابع لازم در جهت شناسایی حق بر حداقل شرایط زندگی از جمله دسترسی به غذا تأکید کرد. با این حال، بدیهی است که اگر این چارچوب حقوقی از قابلیت دادخواهی مؤثر برخوردار نباشد، عملاً در تأمین حقوق بنیادین افراد، کارآمد نخواهد بود. در این رابطه با مستثنا کردن سه نفر از افراد غیرتبعه از قوانین رفاه اجتماعی، نقض حق ایشان بر غذا احراز شد، علی‌رغم این واقعیت که افراد مذکور از مهاجرین غیرقانونی بودند. رأی دادگاه فدرال سوئیس مقرر کرد که حق بر غذا مبنای موجهی برای دادخواهی غذایی جهت برخورداری از مساعدت‌های دولتی قلمداد می‌شود.^{۴۷}

در هندوستان نهاد مردمی اتحاد برای کارگران شهری PUCL^{۴۸} با ارائه دادخواستی به دیوان عالی هند ادعا کرد که مرگ‌های ناشی از قحطی و گرسنگی در مناطق روستایی هند در حالی رخ می‌دهد که انبارهای غله آن کشور، مملو از مواد غذایی است. دیوان در رأی خود اعلام کرد که مبارزه با قحطی و گرسنگی یکی از مسئولیت‌های ابتدایی و اساسی دولت است و اهمال در اجرای آن، نقض آشکار حق حیات بشر و خدشه‌دار کردن کرامت بشری به شمار می‌آید.^{۴۹} دیوان عالی هند در این قضیه در قراردادهای موقت خود، دستورالعمل‌های بسیار مفصلی برای دولت‌های ایالتی و فدرال صادر کرد که مطابق آن، با حمایت دولت مرکزی برای تمهید امنیت غذایی و تأمین و توزیع وعده‌های غذایی میان‌روز در مدارس اقدام کنند.^{۵۰} همچنین در قضیه *Orissa Starvation Deaths Proceedings* کمیسیون ملی حقوق بشر هند، مقامات ایالت اریسا را ملزم کرد که اقدامات معینی برای پیشگیری از گرسنگی و تطبیق قوانین محلی با قانون اساسی هند (ماده ۲۱ در مورد حق بر زندگی) انجام دهند. اهمیت این قضیه و دیگر قضایای مشابه از منظر حقوق دانان آن است که در مواردی اختیارات و انعطاف‌پذیری نهادهای شبه قضایی ملی برای یافتن راهکارهای مؤثر و فوری مبتنی بر توافق مراجع ذی‌صلاح، بیشتر از مراجع قضایی

46. FAO, *The Right to Food Guidelines: Information Papers and Case Studies*, Rome, 2006, p. 92.

47. *Ibid.*, pp. 92-93.

48. The NGO People's Union for Civil Liberties

49. People's Union for Civil Liberties versus Union of India and Others, Writ Petition [Civil] No. 196 of 2001 (hereinafter PUCL case).

۵۰. طلایی و زرم‌خواه؛ همان، ص ۱۲۹.

است.^{۵۱}

در ۲۰۰۸ دیوان عالی نپال در پاسخ به دادخواست قضایی عمومی، قرار موقتی صادر کرد که طبق آن دولت موظف شد بی‌درنگ مواد غذایی مورد نیاز مردمی را که از کمبود غذا به شدت رنج می‌برند تأمین کند. دیوان عالی بیان کرد که قانون اساسی از حق بر غذا به‌عنوان یکی از حقوق اساسی ملت یاد کرده و دولت موظف است اطمینان حاصل کند که همه مردم از این حق بشری برخوردارند.^{۵۲}

در قضیه‌ای در دادگاه اداری حل و فصل اختلافات شهر بوئنوس آیرس، خانواده‌ای از برنامه غذایی جدید دولت حذف شد و دادگاه با صدور قرار، وزیر توسعه اجتماعی را ملزم کرد که خواهان و خانواده وی مشمول برنامه مزبور شوند. مقامات محلی توانستند خانواده مذکور را از جیره غذایی لازم برخوردار کنند. در این قضیه، اهمیت اقدامات از جمله صدور قرار موقت در قضایای مشابه محرز شد، چرا که هرگونه تأخیر منجر به ورود خسارات جبران‌ناپذیر خواهد شد. همچنین اهمیت و ضرورت انعطاف‌پذیری مراجع قضایی در رسیدگی به این امور و صدور حکم مورد توجه قرار گرفت.^{۵۳}

ب. رویه دادگاه‌های منطقه‌ای

دیوان حقوق بشر آمریکا در قضیه *Villagrán-Morales y otros* که مربوط به مرگ سه کودک بی‌خانمان در گواتمالا بود، تفسیر موسعی از حق حیات ارائه کرد. دیوان مقرر کرد که مسئولیت دولت گواتمالا نه فقط به دلیل سوءرفتار و ارتکاب قتل توسط مأموران پلیس محرز است بلکه علاوه بر این، دولت متعهد به اتخاذ اقدامات مقتضی برای تضمین زندگی شایسته کودکان و ممانعت از ارتکاب هرگونه رفتار بی‌رحمانه و غیرانسانی در قبال ایشان بوده است.^{۵۴} این تفسیر موسع از حق حیات، در رویه بعدی دیوان نیز تکرار شد. از جمله در قضیه *Instituto de Reeducación del Menor*، قصور دولت پاراگوئه در تضمین دسترسی کودکان بازداشتی به غذا به‌عنوان یکی از مصادیق نقض حق حیات احراز شد.^{۵۵} علاوه بر این در رویه دیوان حقوق بشر آمریکا، حق بر غذا ذیل حقوق مردم بومی در مالکیت و دسترسی به منابع حیاتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در قضیه *Sawhoyamax*، دیوان بر حق مالکیت و حق حیات مردم بومی و نیز حق دسترسی ایشان به غذا در قبال دولت پاراگوئه تصریح کرد. مردم بومی

51. Manoj Kumar Sinha, "Right to Food: International and National Perspectives", *Journal of the Indian Law Institute*, Vol. 56, No. 1, pp. 53-54. (47-61).

52. Herbel, Denis, and Eve Crowley, *Good Practices in Building Innovative Rural Institutions to Increase Food Security*, Rome, Italy, FAO Publications, 2012, p. 93.

53. FAO, *The Right to Food Guidelines: Information Papers and Case Studies*, Rome, 2006, p. 93.

54. IAHRCourt, *Villagrán-Morales y otros vs. Guatemala*, 1999, paragraphs 144, 191.

55. IAHRCourt, *Instituto de Reeducación del Menor vs. Paraguay*, 2004, paragraphs 134, 161, 176.

مزبور، دسترسی بسیار محدودی به غذا داشتند و کمک‌های غذایی دولت نیز اندک بود که در نتیجه آن در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳، بیش از ۳۰ نفر از اعضای این گروه بومی، جان خود را از دست دادند که در میان آن‌ها تعداد زیادی کودک بودند. دیوان در این قضیه مقرر کرد که دولت پاراگوئه اقدامات مقتضی و معقول را برای حمایت از حق حیات افراد بومی انجام نداده و مرتکب نقض بین‌المللی شده است.^{۵۶} همچنین دولت پاراگوئه با اهمال در اطمینان از دسترسی به زمین‌های موروثی این بومیان که به‌طور طبیعی منبع تهیه مواد غذایی و وسیله امرار معاش آن‌ها به‌شمار می‌رود، حق بر غذای ایشان را نقض کرده است.^{۵۷} در نتیجه دولت متعهد به جبران خسارات وارده به افراد بومی به‌عنوان قربانیان نقض حقوق بشر و اصلاح قوانین و مقررات و ساختار اداری و اجرایی خود شد.^{۵۸}

در مورد حق بر غذا یکی از مهم‌ترین دعاوی مطرح در دیوان حقوق بشر افریقا، قضیه Ogoni است. در این قضیه دو سازمان مردم‌نهاد، شکایتی را علیه دولت نیجریه و اقدامات شرکت ملی نفت مطرح کردند مبنی بر اینکه منابع غذایی مردم بومی از جمله زمین‌های کشاورزی و منابع دریایی و امکان ماهیگیری ضمن استخراج نفت و آب، مورد تهدید یا تخریب قرار گرفته است. طبق رأی دیوان، مقامات دولتی در اتخاذ اقدامات تخریبی فوق و منع دسترسی مردم بومی به غذا مسئول شناخته شدند.^{۵۹}

دیوان حقوق بشر افریقا در قضیه SERAC تصریح کرد که حق بر غذا به‌طور ضمنی در منشور حقوق بشر و مردم افریقا ذیل حق حیات (ماده ۴)، حق سلامت (ماده ۱۶) و حق برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۲۲) شناسایی شده است و دولت نیجریه علاوه بر نقض حقوق مصرح در منشور، مرتکب نقض حق بر غذا نیز اعلام شد.^{۶۰} در این قضیه نیجریه ناقض حق دسترسی به غذا در مورد مردم بومی منطقه شناخته و ملزم به پرداخت غرامت و انجام کلیه اقدامات جبرانی برای قربانیان شد.^{۶۱}

ج. رویه مراجع بین‌المللی

رویه قضایی و شبه‌قضایی در مورد حق بر غذا در سطح بین‌المللی بسیار محدودتر است. دلیل

56. IAHRCourt, *Sawhoyamaya Indigenous Community v. Paraguay*, 2006, paragraphs 204-230.

57. Herbel, Denis, and Eve Crowley, *op. cit.*, 2012, p. 51.

58. FAO, "The Right to Food and Access to Justice: Examples at the National, Regional and International Levels", 2009, p. 44.

59. CHPRCom, *Civil Liberties Organisation vs. Nigeria*, 1999, para. 27.

60. ACHPRCom, SERAC, *Center for Economic and Social Rights v. Nigeria*, 2001, paragraph 64.

61. FAO, *op. cit.*, 2009, p. 41.

اصلی آن عدم آگاهی قربانیان نقض این حق بشری از حقوق خود مبنی بر امکان دادخواهی علیه دولت متخلف در مراجع ذی‌صلاح است.^{۶۲}

کمیته حقوق بشر در برخی آرای خود ضمن احراز ارتکاب نقض حقوق مدنی و سیاسی توسط دولت‌های عضو، بر حمایت از حق بر غذا نیز تصریح کرده است. در قضایای متعدد، افراد بازداشت‌شده یا خانواده‌های ایشان بر تعهد دولت‌ها مبنی بر ممنوعیت رفتارهای غیرانسانی، بی‌رحمانه و تحقیرکننده، به حق بر غذا استناد کرده‌اند. در قضیه *Mukong vs. Cameroon*^{۶۳} کمیته حقوق بشر احراز کرد که شرایط نگهداری فرد بازداشت‌شده که برای روزهای متمادی از غذا محروم شده بود بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده بوده است. در قضیه *Lantsova vs. Fédération de Russie* کمیته حقوق بشر مقرر کرد که شرایط بازداشت فرد قربانی که به علت ازدحام جمعیت در مرکز نگهداری و عدم دسترسی به غذا و امکانات بهداشتی فوت کرده بود، مصداقی از رفتارهای غیرانسانی و تحقیرکننده است.^{۶۴} در هر دو قضیه مذکور، کمیته مقرر کرد که دولت ناقض، متعهد به پرداخت غرامت و تضمین عدم ارتکاب مجدد نقض‌های مزبور است.^{۶۵} علاوه بر این در رویه کمیته حقوق بشر، قضایایی در مورد حقوق افراد بومی مطرح است که مرتبط با حق بر غذا و دسترسی به منابع ضروری برای حیات است. از جمله در قضیه *Länsman e al. vs. Finland*^{۶۶} کمیته حقوق بشر مقرر کرد که استخراج منابع بدون مشورت با مردم بومی، مغایر با شیوه زندگی این گروه از افراد و نقض حقوق مندرج در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.^{۶۷}

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در دعاوی معدودی، نقض حق بر غذا را مورد توجه قرار داده است. در رأی مشورتی دیوان در قضیه دیوار حائل، بر نقض حق مردم فلسطین در دسترسی به غذا به‌عنوان یکی از تبعات احداث دیوار تصریح شد و اینکه ساخت دیوار و نظام ناشی از آن مانع از اعمال حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله دسترسی به منابع حیاتی برای مردم ساکن در منطقه خواهد بود.^{۶۸}

دیوان در این قضیه اسرائیل را ملزم کرد که کلیه خسارات ناشی از اقدام خود را در قبال اشخاص حقیقی و حقوقی جبران کند.^{۶۹} همچنین در رابطه با اهمیت حق بر غذا از منظر دیوان

62. *Ibid.*, p. 33.

63. Human Rights Committee, *Mukong v. Cameroon*, 1994.

64. Human Rights Committee, *Lantsova v. Fédération de Russie*, 2002, paragraph 9.1

65. Human Rights Committee, *Mukong v. Cameroon*, 1994, paragraph 11; *Human rights Committee, Lantsova c. Fédération de Russie*, 2002, paragraph 11.

66. Human Rights Committee, *Länsman et al. v. Finland*, 1994, paragraph 9.5.

67. FAO, *op. cit.*, 2009, p. 34.

68. ICJ, *Legal Consequence of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, 2004, para. 130.

69. *Ibid.*, para. 159.

بین‌المللی دادگستری، قرار موقت دیوان در پروندهٔ تحریم‌ها (اکتبر ۲۰۱۸)^{۷۰} نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در این قرار پیرو شکایت جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، دیوان تصریح می‌کند که برخی حقوق مورد استناد جمهوری اسلامی ایران ذیل معاهدهٔ ۱۹۵۵ مرتبط با واردات و خرید کالاهای ضروری و مرتبط با نیازهای بشردوستانه از جمله اقلام دارویی، مواد غذایی و محصولات کشاورزی است.^{۷۱} از نظر دیوان، جنبه‌های خاصی از اقدامات درخواستی ایران با هدف تضمین آزادی تجارت و بازرگانی به‌ویژه در کالاها و خدمات فوق‌الذکر، با تضمین حقوق پذیرفته‌شده و مورد حمایت، پیوند خورده است.^{۷۲} دیوان تأکید دارد اگرچه واردات مواد غذایی، تجهیزات دارویی و اقلام پزشکی در اصل از اقدامات ایالات متحده مستثنا است، به نظر می‌رسد از زمان اعلام اقدامات توسط ایالات متحده، شرکت‌ها و اتباع ایرانی برای خرید و واردات موارد مذکور در عمل با مشکلاتی مواجه بوده‌اند.^{۷۳}

همچنین دیوان برخی حقوق خاص ایران را که ذیل معاهدهٔ ۱۹۵۵ بدان استناد کرده، قابل قبول و برخوردار از چنان ماهیتی دانسته است که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. این مسئله به‌ویژه در مورد حقوق مربوط به واردات و خرید کالاهای ضروری و حیاتی مانند اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی، مواد غذایی و محصولات کشاورزی مورد تصریح است.^{۷۴} دیوان بر این باور است که وقتی حیات و سلامت افراد در معرض خطر و تهدید قرار دارد، انجام پیش‌دوری اجتناب‌ناپذیر است. بر همین اساس ممکن است اقدامات دولت آمریکا در زمینهٔ اعمال محدودیت در واردات و خرید کالاهای ضروری و حیاتی مانند مواد غذایی و دارویی تأثیرات مخرب جدی بر سلامت و زندگی انسان‌ها در قلمرو ایران داشته باشد.^{۷۵} در نتیجه دیوان به‌عنوان اقدامات موقتی در این دستور مقرر کرد که دولت ایالات متحده آمریکا مطابق تعهدات خود ذیل معاهدهٔ مودت باید هرگونه موانع ناشی از اقدامات اعلام‌شده در ۸ مه ۲۰۱۸ را در مورد صادرات دارو و تجهیزات پزشکی، مواد غذایی و محصولات کشاورزی به جمهوری اسلامی ایران برطرف کند.^{۷۶} به این ترتیب، این قرار دیوان، گامی مهم در تثبیت و تضمین حق بر غذا به‌عنوان حقی بنیادین و پیشگیری از بروز گرسنگی قلمداد می‌شود.

70. *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Provisional Measures, Order of 3 October 2018.

71. *Ibid.*, para. 70.

72. *Ibid.*, para. 75.

73. *Ibid.*, para. 89.

74. *Ibid.*, para. 90.

75. *Ibid.*, para. 91.

76. *Ibid.*, para. 102.

۴. تعقیب گرسنگی در نظام حقوق بین‌الملل کیفری

با ظهور و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری طی ۲۵ سال گذشته، برخی انتظار داشتند که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی در این مورد اظهارنظر کنند و حداقل گرسنگی صریحاً به‌عنوان یکی از مصادیق جنایات بین‌المللی جرم‌انگاری می‌شد. با وجود این جای تعجب است که در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا، دادگاه ویژه برای سیرالئون و دادگاه کامبوج هیچ مقدره صریحی ناظر به جرم‌انگاری گرسنگی دیده نمی‌شود. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ۱۹۹۸ اولین سندی بود که گرسنگی را به‌عنوان جنایت جنگی در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی احصا کرد.^{۷۷} پروتکل اصلاحی اساسنامه دیوان حقوق بشر افریقا (پروتکل مالابو) نیز در ۲۰۱۴ گرسنگی را به‌عنوان جنایت جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی جرم‌انگاری کرد.^{۷۸} همچنین رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی مذکور نیز در مورد گرسنگی بسیار اندک و غیرمستقیم است، تا جایی که در سابقه نسبتاً کوتاه حقوق بین‌الملل کیفری، تا کنون فردی صرفاً برای ارتکاب گرسنگی تحت پیگرد مستقیم قرار نگرفته است.^{۷۹} با وجود این به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل کیفری و رویه قضایی بین‌المللی برای پیگرد گرسنگی و احراز عناصر مادی و معنوی آن به‌عنوان جنایت بین‌المللی از ظرفیت بالایی برخوردار است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۴-۱. گرسنگی به‌عنوان جنایت جنگی

گرسنگی در بند فرعی ۲۵، پاراگراف (ب) بند دوم ماده ۸ اساسنامه رم ازجمله مصادیق جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است که متشکل از عنصر مادی و عنصر معنوی به ترتیب ذیل است:

الف. عنصر مادی جنایت

عنصر مادی جنایت گرسنگی در اساسنامه رم، موسع و شامل هرگونه فعل یا ترک فعلی است که غیرنظامیان را از دسترسی به ملزومات زندگی محروم می‌کند که ازجمله عواقب آن گرسنگی خواهد بود.^{۸۰} در نتیجه احراز این جنایت منوط به تحقق نتیجه (گرسنگی غیرنظامیان) است. به این

77. See Article 8(2)(b)(xxv), Rome Statute (1998).

78. See Article 28D(b)(xxvi), Malabo Protocol (2014) (starvation as a war crime in international armed conflicts); Article 28D(e)(xvi), Malabo Protocol (2014) (starvation as a war crime in non-international armed conflicts).

79. Ventura, *op.cit.*, p. 784.

۸۰. قواعد مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در صدد کاهش ناامنی غذایی ناشی از مخاصمه مسلحانه هستند، در تفسیر جنایت گرسنگی علیه غیرنظامیان که در اساسنامه رم احصا شده به کار می‌آید و متضمن حمایت‌هایی از غیرنظامیان

ترتیب، مرگ افراد در نتیجهٔ تحمیل گرسنگی، شرط لازم نیست اگرچه احتمال وقوع آن در عمل، زیاد و ممکن است به‌عنوان کیفیات مشدده در اعمال مجازات لحاظ شود. پس جنایت گرسنگی با جنایتی مانند قتل که سلب حیات قربانی، شرط لازم برای احراز آن است متفاوت خواهد بود.^{۸۱}

عنصر مادی جنایت گرسنگی طیف گسترده‌ای از اعمال را شامل می‌شود: از تخریب منابع آب و غذا تا ممانعت از دریافت آن‌ها توسط غیرنظامیان.^{۸۲} برخی مصادیق محرومیت مستقیم از ملزومات حیاتی عبارت است از مداخله در روند تولید و توزیع مواد غذایی مانند تخریب یا نابودی تجهیزات کشاورزی. در اساسنامهٔ رم، به آب و غذا تصریح نشده و به «مواد ضروری»^{۸۳} اشاره شده است. اما این مواد ضروری شامل چه مصادیقی می‌شود؟ برای پاسخ، مراجعه به بند ۲ ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو راهگشا خواهد بود که فهرستی از مواد و ملزومات حیاتی جمعیت غیرنظامی را احصا کرده است^{۸۴} که نباید مورد حمله، تخریب یا جابه‌جایی قرار گیرد یا بلااستفاده و متروک بماند که مشتمل است بر مواد غذایی، محصولات زراعی، احشام، تأسیسات آب آشامیدنی و منابع و تأسیسات آبیاری. با اینکه پروتکل الحاقی اول فقط ناظر به زمان مخاصمات مسلحانه است، هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که اهمیت دسترسی به منابع مذکور برای جمعیت غیرنظامی در زمان صلح کمتر باشد. در نتیجه رویکرد اساسنامه به جنایت گرسنگی از این منظر مورد انتقاد است. بنابراین منظور از مواد ضروری فقط آب و غذا نیست زیرا انسان فقط با دسترسی به این دو مورد زنده نخواهد ماند. با وجود این از منظر برخی حقوق‌دانان، نگرانی اصلی از ارتکاب این جنایت، تحمیل گرسنگی است و مواردی مانند کمبود لباس، سرپناه یا امکانات بهداشتی و موارد مشابه ملحوظ نیست. همان‌طور که اگر فردی از موارد

خواهد بود. دو مجموعه از قوانین و مقررات حقوق بشردوستانه بر مسئلهٔ ناامنی غذایی در مخاصمات مسلحانه متمرکز است: اول) قواعد ناظر به ممنوعیت گرسنگی غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگ؛ دوم) قوانین تنظیم‌کنندهٔ عملیات امدادی بشردوستانه. همچنین اصل تناسب در تفسیر و تطبیق رویهٔ عملی دولت‌ها با موازین حقوق بشردوستانه و تعهدات ناشی از آن مورد توجه است. برای مطالعهٔ بیشتر، ن.ک:

Akande, Dapo and Gillard, Emanuela-Chiara, "Conflict-induced Food Insecurity and the War Crime of Starvation of Civilians as a Method of Warfare: The Underlying Rules of International Humanitarian Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, Issue 4, September 2019, pp. 761-770.

81. Ventura, *op.cit.*, p. 789.

82. فرایند به‌دست‌آوردن غذا پیچیده، و لازم‌اش فعل و انفعالات بسیاری میان تعدادی سازمان و مؤسسه است که به آن «نظام غذایی» (The Food System) می‌گویند. این نظام با حقوق زمین و مزارع و تولید غذا شروع می‌شود و تا بازارهای فروش مواد غذایی و ایمنی غذایی گسترش می‌یابد. مسئولیت دولت‌ها در این زمینه شامل گسترهٔ وسیعی از تعیین حداقل دستمزدها تا وضع قوانین مالکیت زمین، تا کنترل کیفیت غذا تا مشارکت مستقیم در تولید مواد غذایی است. ن.ک: طلائی و زرم خواه؛ همان، ص ۱۲۴.

83. Indispensable objects

84. Y. Dinstein, Y., *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*, Cambridge University Press, 2016, 3rd Edition, pp. 251-252.

اخیر محروم باشد، «گرسنه» محسوب نمی‌شود. البته اگر معنای موسع گرسنگی مورد توجه قرار گیرد، حتی مشمول افرادی نیز می‌شود که تغذیه کافی دارند اما از لباس مناسب محروم‌اند. به نظر می‌رسد اصطلاح گرسنگی در این چارچوب، مصادیق غذا و آب را شامل شود.^{۸۵} پس عنصر مادی جرم گرسنگی موسع و منعطف است و طیف گسترده‌ای از شرایط واقعی و خصوصیات جوامع مختلف در رابطه با آب و غذا را در بر می‌گیرد.^{۸۶}

ب. عنصر معنوی جنایت

مطابق بند اول ماده ۳۰ اساسنامه رم، هیچ‌کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دیوان است مجازات شود مگر اینکه عنصر مادی جرم، همراه با قصد و علم نیز باشد.^{۸۷} مطابق بند دوم ماده ۳۰ اساسنامه رم، وجود قصد مفروض است، موقعی که شخص نسبت به اصل عمل، قصد ارتکاب آن را داشته باشد^{۸۸} و نسبت به نتیجه عمل، قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که این نتیجه در مسیر طبیعی حوادث پیش خواهد آمد.^{۸۹} بنا بر رویه دیوان بین‌المللی کیفری در قضایای Lubanga و Katanga وجود علم در صورتی مفروض است که شخص آگاه باشد که شرایط [ارتکاب] جرم وجود دارد یا نتیجه در مسیر طبیعی حوادث اتفاق خواهد افتاد.^{۹۰} بنابراین مرتکب در رابطه با این جنایت باید آگاه باشد که گرسنگی نتیجه‌ای است که در روند عادی وقایع محقق خواهد شد. شعبه تجدیدنظر دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه Bemba بر این امر تأکید کرده است که عبارت «عمدی»، به قصد مبنایی مندرج در ماده ۳۰ اساسنامه دلالت دارد.^{۹۱} نکته قابل

۸۵. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر ۱۲، عناصری برای حق بر غذا شمرده که عبارت‌اند از قابلیت پذیرش فرهنگی، سلامت و دسترسی اقتصادی و فیزیکی. برخی حقوق‌دانان در خصوص معنای «غذای کافی» قائل‌اند که «کفایت» غذایی فراتر از آن چیزی است که تنها موجبات زنده‌بودن آدمی را فراهم کند، بلکه باید در احراز آن به تأثیر نوع غذا در سلامت شخص یا توانمند کردن او برای پیگیری زندگی عادی و فعال توجه شود. به‌علاوه کفایت به هر دو جنبه کمی و کیفی دلالت دارد، یعنی غذا هم از نظر میزان کالری و انرژی غذایی حاصله و هم از نظر مواد غذایی ضروری همچون ویتامین‌ها کافی باشد. مفهوم دقیق «کفایت» به میزان زیادی با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آب و هوایی و بوم‌شناختی حاکم تعیین می‌شود. برای مطالعه بیشتر، ن.ک: طلایی و زرم‌خواه؛ همان، صص ۱۲۲-۱۲۱.

86. Ventura, *op.cit.*, pp. 791-793.

۸۷. بند ۱ ماده ۳۰ اساسنامه رم.

۸۸. پاراگراف (الف)، بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه رم.

۸۹. پاراگراف (ب)، بند ۲ ماده ۳۰ اساسنامه رم.

90. ICC, *Prosecutor v. Lubanga*, Trial Judgment, ICC-01/04-01/06-2842, 14 March 2012, para. 1101; ICC, *Prosecutor v. Katanga*, Trial Judgment, ICC-01/04-01/07-3436-tENG, 7 March 2014, para. 775.

91. ICC, *Prosecutor v. Bemba et al.*, Appeal Judgment, ICC-01/05-01/13-2275-Red, 8 March 2018, para. 677 (in the context of Article 70).

تأمل دیگر، تصریح اساسنامه به ارتکاب جنایت گرسنگی علیه غیرنظامیان است، حال آنکه در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جوازی برای ممنوعیت تحمیل گرسنگی علیه نظامیان در زمان مخاصمات مسلحانه وجود ندارد.^{۹۲} بنابراین وقتی ادعا می‌شود که گرسنگی در هنگام مخاصمه مسلحانه اتفاق افتاده است باید میان نظامیان و غیرنظامیان تفکیک کرد، در حالی که حضور نظامیان در بین جمعیت غیرنظامی، آن‌ها را از ویژگی غیرنظامی بودن محروم نمی‌کند.^{۹۳} بنابراین با توجه به قید ارتکاب عمدی جنایت گرسنگی در چارچوب اساسنامه رم، مواردی مانند سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی یا ارتکاب تصادفی را شامل نخواهد شد. همچنین متهم باید آگاه باشد که اقدامات وی منجر به گرسنگی خواهد شد و برای تحقق این نتیجه تلاش کند. البته لازم نیست گرسنگی تنها نتیجه مطلوب مدنظر باشد. به‌طور مثال ممکن است قصد متهم، هم تحمیل گرسنگی به غیرنظامیان باشد و هم مانع از دسترسی محاصره‌شدگان به سلاح‌های جنگی پنهان‌شده در محموله مواد غذایی شود.^{۹۴}

نکته مهم آن است که به‌طور کلی احراز قصد خاص برای ارتکاب جنایت بین‌المللی در رویه قضایی بین‌المللی با ابهاماتی مواجه بوده است. به‌طور نمونه، قصد خاص برای ارتکاب ژنوسید در قضیه Akayesu در دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه برای رواندا مورد توجه قرار گرفت، بدین معنا که مرتکب باید به‌وضوح و به‌طور قطع در صدد ارتکاب عمل و تحصیل نتیجه باشد که نابودی جزئی یا کلی است.^{۹۵} از آن به بعد این رویکرد در رویه بعدی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای رواندا و یوگسلاوی از جمله در قضایای Kambanda, Seromba و Krstić مورد استناد قرار گرفت.^{۹۶} در رابطه با جنایت گرسنگی، بی‌تردید باید قصد مرتکب فراتر از محرومیت از غذا برای وصول به هدف گرسنگی احراز شود و با توجه به رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه، پاره‌ای ابهامات مطرح آن است که آیا برای احراز گرسنگی، مرتکب باید تحمیل گرسنگی را ضمن اقدام تهاجمی علیه غیرنظامیان انجام دهد (مانند حمله به مراکز فروش یا انبار مواد غذایی یا محاصره منطقه‌ای برای اجبار نظامیان به تسلیم‌شدن) یا اینکه در نتیجه دیگر اقدامات نیز ممکن است به‌طور عادی محقق شود و اینکه آیا مرتکب از انجام اقدامات، لزوماً باید تحقق نتیجه را که

۹۲. ن.ک: بند ۳ ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷).

۹۳. ICTY, *Prosecutor v. Blaškić*, Appeal Judgment, IT-95-14-A, 29 July 2004, para. 115; ICTY, *Prosecutor v. Kordić and Čerkez*, Appeal Judgment, IT-95-14/2-A, 17 December 2004, para. 50; ICTY, *Prosecutor v. Galić*, Appeal Judgment, IT-98-29-A, 30 November 2006, paras 135-138; ICTY, *Prosecutor v. D. Milošević*, Appeal Judgment, IT-98-29/1-A, 12 November 2009, para. 59.

۹۴. Ventura, *op. cit.*, pp. 786-790.

۹۵. Judgment, Akayesu (ICTR-96-4-T), Trial Chamber, 2 September 1998, § 518.

۹۶. Judgment, Seromba (ICTR-2001-66-I), Trial Chamber, 13 December 2006, §§ 319-320; Judgment, Kambanda (ICTR 97-23-S), Trial Chamber, 4 September 1998, § 16; Judgment, Krstić (IT-98-33-T), Trial Judgment, 2 August 2001, § 571.

تحمیل گرسنگی است داشته باشد یا نیازی به احراز این قصد خاص وجود ندارد. برای پاسخ به این مسئله می‌توان به رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای رواندا و یوگسلاوی در رابطه با احراز قصد خاص ژنوسید اشاره داشت که از منظر دادگاه، احراز قصد نابودی لزوماً باید احراز شود و با استناد به این رویه از جمله در قضیه Akayesu^{۹۷}، برخی حقوق‌دانان قائل‌اند که در مورد جنایت گرسنگی نیز این قصد خاص یعنی تحمیل گرسنگی به جمعیت غیرنظامی باید احراز شود.^{۹۸}

با توجه به عناصر مادی و معنوی گرسنگی، گام بعدی، ارزیابی ظرفیت‌های بالقوه حقوق بین‌الملل کیفری معاصر برای پیگرد این جنایت است. به عبارت دیگر، با توجه به تصریح اساسنامه رم به گرسنگی ذیل جنایات جنگی در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، چالش اصلی آن است که چگونه در وضعیت صلح یا مخاصمات مسلحانه داخلی نیز می‌توان این جنایت را تحت پیگرد قرار داد؟ در پاسخ می‌توان به اقدام مجمع عمومی دیوان بین‌المللی کیفری در ژانویه ۲۰۲۰ اشاره داشت که به اتفاق آرا به اصلاح اساسنامه رم برای توسعه مفهوم گرسنگی به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نظر داد و مورد استقبال گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد حق بر غذا قرار گرفت.^{۹۹}

۲-۴. گرسنگی به عنوان جنایت علیه بشریت

مصادق مناسب و نزدیک‌تر برای تعقیب گرسنگی به عنوان جنایت علیه بشریت، مفهوم «سایر اعمال غیرانسانی» است زیرا بنا بر تصریح دادگاه در قضیه Kupreškić، مفهوم موسع است که بناست همانند چتری برخی اقدامات مجرمانه را دربرگیرد که ذیل دیگر مصادیق قابل پیگرد نیست.^{۱۰۰} برای اینکه فعل یا ترک فعلی ذیل «سایر اعمال غیرانسانی» قابل تعقیب باشد باید از جهت ویژگی‌ها و شدت، مشابه دیگر مصادیق جنایات علیه بشریت باشد.^{۱۰۱} در قضیه Vasiljević تصریح شد که برای تشخیص عمل غیرانسانی، هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه تا حدودی راهنما است اما در نهایت، ارزیابی مرجع قضایی تعیین‌کننده خواهد بود. علاوه بر این، اقدامات مزبور باید صدمه یا لطمه جدی به بدن یا سلامت روحی

97. Judgment, Akayesu (ICTR-96-4-T), Trial Chamber, 2 September 1998, § 498.

98. Global Rights Compliance and The World Peace Foundation, The Crime of Starvation and Methods of Prosecution and Accountability (Policy Paper), 2019, pp. 8-12.

99. Report of the Special Rapporteur on the right to food: Critical perspective on food systems, food crises and the future of the right to food A/HRC/43/44, 21 January 2020, para. 50.

100. ICTY, *Prosecutor v. Kupreškić et al.*, Trial Judgment, IT-95-16-T, 14 January 2000, para. 563; See also: ICTY, *Prosecutor v. Kordić and Čerkez*, Appeal Judgment, IT-95-14/2-A, 17 December 2004, para. 117.

101. See ICTR, *Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana*, Trial Judgment, ICTR-95-1-T, 21 May 1999, paras 151, 154; ICTY, *Prosecutor v. Krnojelac*, Trial Judgment, IT-97-25-T, 15 March 2002, para. 130; ICTY, *Prosecutor v. Karadžić*, Trial Judgment, IT-95-5/18-T, 24 March 2016, para. 494.

یا جسمی انسان وارد کند.^{۱۰۲} ملاک «شدت»، در هر قضیه و با توجه به اوضاع و احوال شخصی احراز خواهد شد.^{۱۰۳} در ماده ۳۰ اساسنامه رم برای احراز عنصر معنوی، هم قصد فعل و هم قصد نتیجه برای ارتکاب جرم لازم است، در حالی که در دادگاه‌های کیفری ویژه، احراز آگاهی مرتکب از نتیجه احتمالی مبنی بر ورود صدمه کفایت می‌کرد.^{۱۰۴} در رابطه با عنصر مادی، گرسنگی شامل محرومیت هدف‌مند جمعیت غیرنظامی از غذا و آب است که البته در مراحل اولیه قابل جبران است اما با گذشت زمان موجب سوءتغذیه، کاهش تدریجی وزن، تحلیل قوا و اختلال در متابولیسم بدن انسان خواهد شد. به بیان ساده‌تر، گرسنگی انسان را به اسکلت زنده تبدیل می‌کند و موجب مرگ تدریجی و آهسته می‌شود (اگرچه مرگ از عناصر جرم نیست). علاوه بر آسیب جسمانی، درد و رنج روحی شدید نیز به قربانیان وارد می‌شود. بنابراین گرسنگی از جهت ویژگی‌ها و شدت با دیگر مصادیق جنایات علیه بشریت شباهت دارد و امکان پیگیری قانونی آن ذیل چتر مفهوم «سایر اقدامات غیرانسانی» وجود دارد.^{۱۰۵} علاوه بر این به عقیده برخی حقوق‌دانان، ممکن است گرسنگی در صورت احراز عنصر مادی و معنوی آن، ذیل دیگر عناوین مجرمانه مانند «شکنجه»، «قتل»، «نابودسازی» و «اذیت و آزار» نیز تحت پیگیری قرار بگیرد.

از آنجا که گرسنگی موجب تحمیل درد و رنج شدید به قربانی می‌شود، یکی از مصادیق شکنجه محسوب می‌شود. در قضیه Kunarac دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی تصریح کرد که در رویه قضایی بین‌المللی، حد مشخصی برای میزان درد و رنج حاصل از شکنجه تعیین نشده است.^{۱۰۶} با وجود این در قضیه Brđanin دادگاه بر مبنای قواعد عرفی بین‌المللی تصریح داشت که درد و رنج بسیار شدید و ورود صدمه جدی بدنی مانند قطع عضو یا اختلال در کارکرد ارگان‌های بدن و مرگ قربانی برای احراز این جنایت لازم نیست.^{۱۰۷} نکته بسیار مهم آنکه دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق در قضیه Naletilić and Martinović احراز شکنجه را در هر قضیه، منوط به شرایط و اوضاع و احوال کرد.^{۱۰۸}

102. See ICTY, *Prosecutor v. Vasiljević*, Trial Judgment, IT-98-32-T, 29 November 2002, para. 234(ii).

103. ICTY, *Prosecutor v. Kordić and Čerkez*, Appeal Judgment, IT-95-14/2-A, 17 December 2004, para. 117; ICC, *Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo*, Decision on the Confirmation of Charges, ICC-01/04-01/07-717, 30 September 2008, para. 454. See also ICTY, *Prosecutor v. Krnojelac*, Trial Judgment, IT-97-25-T, 15 March 2002, para. 131; ICTY, *Prosecutor v. Prlić et al.*, Trial Judgment, IT-04-74-T, 29 May 2013, para. 78.

104. See ICTR, *Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana*, Trial Judgment, ICTR-95-1-T, 21 May 1999, para. 153; ICTY, *Prosecutor v. Galić*, Trial Judgment, IT-98-29-T, 5 December 2003, para. 154; ICTY, *Prosecutor v. D. Milošević*, Trial Judgment, IT-98-29/1-T, 12 December 2007, para. 935; ICTY, *Prosecutor v. Lukić and Lukić*, Trial Judgment, IT-98-32/1-T, 20 July 2009, para. 962; ICTY, *Prosecutor v. Tolimir*, Trial Judgment, IT-05-88/2-T, 12 December 2012, para. 802.

105. Ventura, *op. cit.*, pp. 793-794.

106. ICTY, *Prosecutor v. Kunarac*, Appeal Judgment, IT-96-23 & IT-96-23/1-A, 12 June 2002, para. 149.

107. ICTY, *Prosecutor v. Brđanin*, Appeal Judgment, IT-99-36-A, 3 April 2007, para. 249.

108. ICTY, *Naletilić and Martinović*, Appeal Judgment, IT-98-34-A, 3 May 2006, para. 299.

آنجا که گرسنگی موجب تحمیل درد و رنج جسمی و روحی به افراد قربانی می‌شود، با استناد به رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا، به‌عنوان مصداقی از شکنجه در دیوان بین‌المللی کیفری قابل پیگرد است، خصوصاً اینکه در اساسنامه رم برخلاف کنوانسیون منع شکنجه، قصد خاصی برای ارتکاب شکنجه ملحوظ نیست. البته به عقیده برخی حقوق‌دانان ممکن است قید در بازداشت یا تحت کنترل بودن که در ماده ۷ اساسنامه رم قید شده است، احراز جنایت گرسنگی را به‌عنوان شکنجه، قدری با چالش مواجه کند.

اذیت و آزار از دیگر مصداق جنایت علیه بشریت است که با توجه به رویه قضایی بین‌المللی، مرتبط با جنایت تحمیل گرسنگی خواهد بود. برای احراز یک فعل یا ترک فعل به‌عنوان اذیت و آزار باید اولاً یکی از مصداق حقوق بشر مندرج در عرف بین‌المللی یا حقوق معاهده‌ای نقض شود و ثانیاً فعل یا ترک فعل مزبور تبعیض‌آمیز باشد که البته این مفهوم در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق و رواندا ناظر به دلایل سیاسی، نژادی و مذهبی بود اما در اساسنامه رم با افزودن دلایل ملی، فرهنگی و جنسیت و همچنین تصریح به دیگر دلایل موسع شد. تحمیل گرسنگی به افراد به دلیل تبعیض‌آمیز، بی‌تردید مشتمل بر محرومیت بلندمدت از آب و غذا است که بنا بر تصریح دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق در دو قضیه *Blaškić* و *Karadžić*، این شرایط، افراد انسانی را در وضع نامناسب زندگی قرار می‌دهد و به منزله رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی تلقی می‌شود.^{۱۰۹} نکته مهم آن است که گرسنگی، نقض فاحش و شدید حق بر غذا به‌عنوان یکی از مصداق حقوق بشر افراد است که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد شناسایی شده است. با وجود این، مطابق تصریح اساسنامه رم، گرسنگی در صورتی در دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان یکی از مصداق اذیت و آزار قابل پیگرد است که با دیگر اقدامات مجرمانه مشمول صلاحیت دیوان ارتکاب یابد که البته با توجه به ابعاد و تبعات تحمیل گرسنگی (از جمله مرگ)، احراز این امر چندان بعید به نظر نمی‌رسد.^{۱۱۰}

۳-۴. گرسنگی به‌عنوان ژنوسید

با توجه به ماهیت جنایت گرسنگی، ممکن است این اقدام در شرایط و اوضاع و احوال ویژه، ژنوسید نیز تلقی شود. بارزترین ویژگی ژنوسید، قصد خاص آن برای نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است^{۱۱۱} و باید نابودی فیزیکی یا بیولوژیکی و نه فرهنگی

109. CTY, *Prosecutor v. Blaškić*, Appeal Judgment, IT-95-14-A, 29 July 2004, para. 155.

110. Ventura, *op. cit.*, pp. 795-796 and 801-808.

111. ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات ژنوسید (۱۹۴۸). همچنین ن.ک: بند ۲ ماده ۴ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق؛ بند ۲ ماده ۲ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا؛ ماده ۶ اساسنامه رم.

گروه‌های مذکور مدنظر باشد. البته ممکن است تخریب اموال یا نمادهای فرهنگی و مذهبی به‌عنوان اماره‌ای برای قصد نابودی فیزیکی مورد استناد قرار گیرد. با توجه به ماهیت گرسنگی، عنصر معنوی آن می‌تواند بر قصد ژنوسید دلالت داشته باشد و مطابق رویه قضایی، در موارد فقدان دلیل و مدرک مستقیم، قصد ژنوسید به‌طور غیرمستقیم از کلیه اوضاع و احوال قضیه قابل احراز است.^{۱۱۲} به‌طور مثال، وقتی جمعیت غیرنظامی در داخل کشور از ملزومات حیاتی مانند آب و غذا محروم شود، خصوصاً اگر با اقدامات و رفتارهای تبعیض‌آمیز همراه باشد، احراز قصد نابودی گروه چندان دشوار نخواهد بود، حتی اگر مرگ افراد، نتیجه لازم نباشد. البته بدیهی است که شرایط هر قضیه باید به‌طور موردی و مجزا بررسی شود و به‌طور نمونه در قضیه Karadžić، علی‌رغم این واقعیت که گرسنگی به افراد بازداشتی در اردوگاه‌های نگهداری تحمیل شد، سرانجام اثبات نشد که این اقدام با قصد نابودی کل گروه انجام گرفته است.^{۱۱۳} همچنین علاوه بر اثبات ارتکاب گرسنگی باید قربانیان به‌عنوان عضو یکی از ۴ گروه مورد حمایت (گروه‌های نژادی، ملی، قومی یا مذهبی) احراز شوند. نکته بسیار مهم آن است که ارتکاب ژنوسید باید به‌عنوان روند و فرایند ملحوظ شود^{۱۱۴} و اینکه لازم نیست کل اعضای گروه در نتیجه گرسنگی جمعی، جان خود را از دست بدهند بلکه احراز قصد نابودسازی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت کفایت خواهد کرد.^{۱۱۵}

در مجموع به نظر می‌رسد در صورت احراز قصد خاص، اثبات گرسنگی به‌عنوان اقدامی که ممکن است منجر به قتل، رنج جسمی یا روحی شدید یا نابودی کلی یا جزئی فیزیکی گروه‌های مورد حمایت شود، بعید نباشد^{۱۱۶} و البته در رویه قضایی بین‌المللی نیز این امر مورد تأیید است، چرا که بارها اعمال رژیم غذایی و شرایطی که منجر به مرگ آهسته شود علیه گروه‌های مورد حمایت، محکوم شده است.^{۱۱۷}

112. ICTY, *Prosecutor v. Jelisić*, Appeal Judgment, IT-95-10-A, 5 July 2001, para. 47; ICTY, *Prosecutor v. Krstić*, Appeal Judgment, IT-98-33-A, 19 April 2004, para. 34; ICTY, *Prosecutor v. Stakić*, Appeal Judgment, IT-97-24-A, 22 March 2006, para. 55; ICTR, *Prosecutor v. Seromba*, Appeal Judgment, ICTR-2001-66-A, 12 March 2008, paras 176-177; ICTR, *Hategekimana v. The Prosecutor*, Appeal Judgment, ICTR-00-55B-A, 8 May 2012, para. 133; ICTY, *Prosecutor v. Popović et al.*, Appeal Judgment, IT-05-88-A, 30 January 2015, para. 468; ICTY, *Prosecutor v. Tolimir*, Appeal Judgments, IT-05-88/2-A, 8 April 2015, paras 246-247; ECCC, *Co-Prosecutors v. Nuon and Khieu*, Trial Judgment (Case 002/02), 002/19-09-2007/ECCC/TC-E465, 16 November 2018, para. 803.

113. ICTY, *Prosecutor v. Karadžić*, Trial Judgment, IT-95-5/18-T, 24 March 2016, paras. 2584, 2587.

114. S. Rosenberg, Sheri P., "Genocide is a Process, Not an Event", *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, 2012, Vol. 17, Issue 1, pp. 16-23.

115. Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 705-706.

116. Ventura, *op.cit.*, pp. 809-815.

117. ICTR, *Prosecutor v. Akayesu*, Trial Judgment, ICTR-96-4-T, 2 September 1998, para. 506; ICTR, *Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana*, Trial Judgment, ICTR-95-1-T, 21 May 1999, para. 115; ICTR, *Prosecutor v. Musema*, Trial Judgment, ICTR-96-13-A, 27 January 2000, para. 157; ICTY, *Prosecutor v. Stakić*, Trial Judgment, IT-97-24-T, 31 July 2003, para. 517; ICTY, *Prosecutor v. Brđanin*, Trial Judgment, IT-99-36-T, 1 September 2004, para. 691; ICTY, *Prosecutor v. Tolimir*, Appeal Judgment, IT-05-88/2-A, 8 April 2015, para. 226.

۵. مروری بر اهداف تحمیل گرسنگی در رویه بین‌المللی

از جمله عواملی که انگیزهٔ مقابله با گرسنگی و تقویت سازوکارهای جامع قانونی را توسط جامعهٔ بین‌المللی تقویت می‌کند، تمرکز بر اهداف شوم و غیرانسانی است که مرتکبین از تحمیل گرسنگی علیه جمعیت انسانی دنبال می‌کنند و متأسفانه نمونه‌های تاریخی آن نیز فراوان است. در این خصوص باید ارتباط بین اهداف راهبردی سیاسی - نظامی و استفاده از گرسنگی به‌عنوان شیوهٔ جنگی یا سرکوب مورد توجه قرار گیرد.^{۱۱۸} بنا بر وقایع تلخ دهه‌های قبل، برخی از مهم‌ترین اهدافی که برای تحمیل گرسنگی شمرده شده است عبارت‌اند از:

۱-۵. قتل و نابودسازی

اولین و بدیهی‌ترین هدف از گرسنگی جمعی، کشتن و قتل افراد انسانی است. وقتی با محرومیت از غذا و مواد لازم برای زندگی، اعضای گروه به‌طور دسته‌جمعی کشته شوند، جنایت نابودسازی^{۱۱۹} محقق می‌شود. وقتی این گروه به‌عنوان اقلیت قومی، ملی، نژادی یا مذهبی تعریف شوند ممکن است اقدامات مزبور ذیل تعریف قانونی ژنوسید قرار گیرد.^{۱۲۰} که عمدهٔ با تحمیل عمدی شرایط زندگی نامطلوب، زمینه برای نابودی کلی یا جزئی فراهم شده است^{۱۲۱} و توضیح آن به تفصیل بیان شد.

۱۱۸. ممکن است اهداف مختلف از گرسنگی جمعی با اغراض سودآورانه یا مجازات جمعیت محقق شود یا مقدمه‌ای برای اخراج بخشی از جمعیت یا وسیله‌ای برای کسب قدرت و کنترل جمعیت باشد. به هر حال بدیهی است که جمعیت غیرنظامی، از این قبیل اقدامات متحمل آسیب فراوان و جبران‌ناپذیر خواهد شد. به نظر می‌رسد استفاده از شبه‌نظامیانی که با غارت غیرنظامیان و بهره‌کشی از ایشان، خود را تأمین می‌کنند، مسئولیت و تقصیر مقامات دولتی را کاهش دهد اما ممکن است این قبیل اقدامات، زمینه را برای قحطی بعدی کارگران اسیر در حال کار تا سرحد مرگ فراهم کند و منجر به نابودی و تخریب منابع حیاتی جمعیت هدف شود. ن.ک:

Conley, B., "Mass Atrocity Endings" (World Peace Foundation, 2017), available online at <https://sites.tufts.edu/atrocityendings/> (visited 1 October 2020).

119. The crime of extermination

۱۲۰. توجه به همبستگی عوامل محلی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و محیطی بسیار مهم است زیرا ممکن است شدت جنایات گرسنگی را کم یا زیاد کند. گاهی بنا به آسیب‌پذیری بیشتر جمعیت غیرنظامی، تأثیرات مخرب و کشندهٔ اقدامات، غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. یک عامل مهم در احراز جنایت گرسنگی جمعی، زمان است. در حالی که ممکن است قحطی یا جنایات گرسنگی در شرایطی بروز کند که تشخیص تقصیر و احراز مسئولیت نسبتاً دشوار باشد، گاهی مدت طولانی حفظ سیاست‌هایی که این شرایط را ایجاد می‌کنند ادعای بی‌گناهی را تضعیف می‌کند. در بیشتر موارد، کاربرد گرسنگی جمعی با تحمیل محرومیت چندگانه به هزاران نفر طی سالیان است و قطعاً مقاماتی که برای حفظ شرایط، تلاش و اهتمام کردند نمی‌توانند مدعی بی‌اطلاعی از آثار و عواقب بحرانی و خطرناک تصمیمات خود بر جمعیت انسانی باشند. ن.ک:

Conley and de Waal, *op.cit.*, p. 705.

۱۲۱. بند (ج) ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات ژنوسید.

۵-۲. اعمال کنترل و قدرت بر جمعیت

هنگامی که منافع اصلی دولت، در تضعیف گروهی است که در برابر سیاست‌های آن مقاومت می‌کند، مرگ افراد گروه از طریق گرسنگی دادن، از جمله راهبردهای مورد توجه خواهد بود، بدون اینکه از تعداد مرگ و میر در نتیجه سیاست‌های مذکور نگرانی وجود داشته باشد، بلکه به منزله راهبرد ضدشورش و اعمال کنترل بر گروه از آن استقبال نیز می‌شود.^{۱۲۲} از زمان جنگ انگلیس و بوئرها^{۱۲۳} (۱۸۹۹-۱۹۰۲) که اصطلاح «اردوگاه کار اجباری» رایج شد، این روش برای مجبورکردن جمعیت غیرنظامی یک منطقه برای کنترل هموطنان مسلح خود به کار گرفته شد. علاوه بر این، اردوگاه‌هایی با تکنیک ضدشورش در جاهای دیگر نیز مشاهده شدند. به‌طور نمونه می‌توان به جنگ‌های استعماری مرتبط با انگلیس در کنیا و مالزی، جنگ‌های استقلال طلبی میان پرتغال و موزامبیک (۱۹۴۶-۱۹۷۳)، اردوگاه‌های اسکان در اتیوپی (۱۹۸۴-۱۹۸۸) و مراکز اسکان مجدد در بروندی (۱۹۹۶-۲۰۰۰) اشاره کرد.^{۱۲۵} در هریک از این موارد، جمعیتی پراکنده که عمدتاً روستایی بودند، به‌زور از خانه و کاشانه خود به فضاهای محدود و نامطلوب منتقل شدند.^{۱۲۶} همچنین در شرایطی که گروه‌های غیرنظامی در منطقه وسیعی پراکنده شده‌اند ممکن است

۱۲۲. وضعیت اردوگاه‌های اسکان برای افراد معترض و شورشی، نمونه‌ای آشکار و نمادین از جنایت گرسنگی در برهه مقابله با شورش‌های داخلی است. در اردوگاه‌ها به علت کنترل مستقیم دولت بر افراد مورد هدف، مسئولیت بیشتر می‌شود. با وجود این، رویه پس از استعمار و جنگ سرد نشان داده است که سیاست‌های به‌ظاهر برای کنترل و تفکیک جمعیت غیرنظامی از گروه‌های مسلح می‌تواند زمینه‌ساز جنایت گرسنگی شود. ن.ک:

Callwell, C. E., *Small Wars: Their Principles and Practice*, University of Nebraska Press, 1996, p. 40.

۱۲۳. سفیدپوستانی که نیاکانش در اواخر قرن هفدهم از هلند، در افریقای جنوبی سکنی گزیدند.

124. The Anglo-Boer War (1899-1902).

۱۲۵. در هنگام آوارگی، علیه جمعیت انسانی خشونت ارتکاب یافت و محصولات کشاورزی و مواد غذایی از بین رفت و معیشت و زندگی عادی مردم مختل شد و این در حالی بود که وضعیت نامناسب و بحرانی زندگی افراد انسانی، وابسته به تصمیمات مقامات دولتی و پشتیبانی ایشان از اقدامات مذکور بود. در برخی موارد، غیرنظامیان محصور، در اردوگاه نگهداری و گاهی ساکنان یک منطقه در سایر مناطق استقرار داده شدند. همچنین در مواردی تجاوز، شکنجه و خشونت در داخل اردوگاه‌ها ارتکاب یافت. با وجود این در موارد مذکور، گسترده‌ترین آسیب‌های وارد به غیرنظامیان، در نتیجه عدم دسترسی به غذا، آب و امکانات بهداشتی در اردوگاه‌های محل اسکان بود که در نتیجه سیاست‌های دولتی برای تفکیک شورشیان از غیرنظامیان و تأمین و تقویت ارتش و نظارت بر گردآوری اطلاعات محقق شد.

۱۲۶. سه عامل مهم که موجب تشدید وضعیت وخیم غیرنظامیان شد، عبارت بود از: اول، محرومیت افراد از زندگی، مزارع و دیگر مایحتاج لازم برای معیشت با اسکان مجدد؛ دوم، شتاب‌زدگی در اعمال سیاست‌های اسکان‌دهی و عدم لحاظ نیازهای اساسی جمعیت انسانی؛ سوم، ایجاد فضای بی‌اعتمادی و ترس میان غیرنظامیان به علت کاربرد زور و اجبار از سوی ارتش که مجاز به آن بودند. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Porch, D., *Counterinsurgency: Exposing the Myths of the New Way of War*, Cambridge University Press, 2013, pp. 200, 255-261.

جنایت گرسنگی از سوی دولت ارتکاب یابد که با حمله به ضروریات زندگی و عوامل حیاتی، در صدد اعمال کنترل بر غیرنظامیان و جمعیت غیرانسانی است. نمونه‌هایی از این موارد در یمن (از ۲۰۱۶ تا کنون)، جنوب سودان (۱۹۸۵-۲۰۰۴)، دارفور (۲۰۰۳-۲۰۰۵) و سودان جنوبی (۲۰۱۳-۲۰۱۸) قابل مشاهده بوده است. در این موارد مرتکبان، تولید و توزیع مواد غذایی و ظرفیت افراد انسانی برای خرید غذا را مختل کردند و مانع از دسترسی مردم شدند. همچنین آب سالم، مسکن، امکانات بهداشتی، مزارع و باغات و ذخایر مواد غذایی، مسیرهای حمل‌ونقل و بازارها هدف قرار گرفتند. به‌طور مستمر از دریافت کمک‌های بشردوستانه نیز ممانعت شد و علی‌رغم انتشار گزارش‌های مختلف از عمق آسیب وارده به جمعیت غیرنظامی، همچنان طی چند سال بر استمرار سیاست‌های مزبور اصرار شد.^{۱۳۷}

۵-۳. اعمال کنترل سرزمینی: تسلیم یا گرسنگی

محاصره و اعمال محدودیت برای تحمیل گرسنگی، به منزله تلاشی نظامی برای تحقق کنترل سرزمینی است و چنانچه به نحوی انجام گیرد که امکان تفکیک جمعیت نظامی و غیرنظامی در ضمن آن میسر نباشد، به منزله جنایت گرسنگی قابل پیگرد است. در میان جنگ‌های ضدبشری، نمونه‌های محاصره کم نیست: در دو جنگ جهانی نمونه‌های بارز محاصره مشهود بود: محاصره *لنینگراد* (۱۹۴۱-۱۹۴۴) و محاصره کامل ژاپن در ۱۹۴۵. برخی نمونه‌های اخیر عبارت‌اند از محاصره شهرهایی در سودان توسط ارتش آزادی‌بخش سودان (۱۹۸۴-۲۰۰۴)، محاصره مناطق *تامیل* توسط دولت سریلانکا (۲۰۰۸-۲۰۰۹) و محاصره روهینگایی‌ها توسط دولت میانمار (۲۰۱۷).^{۱۳۸} آنچه معمولاً در انتهای محاصره محقق می‌شود، حالات متفاوتی است: مقاومت موفقیت‌آمیز (*لنینگراد*)، کاپیتولاسیون با غرامت تنبیهی (آلمان)، اشغال (ژاپن)، شکست و ادغام مجدد (نیجریه)، آوارگی (میانمار) و گاهی کشتار سیستماتیک (سربرنیکا و بوسنی).^{۱۳۹}

127. Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 707-709.

128. Amnesty International, 'We will Destroy Everything': Military Responsibility for Crimes against Humanity in Rakhine States, Myanmar (2018), available online at <https://www.amnesty.org/en/documents/asa16/8630/2018/en/> (visited 2 October 2020), pp. 101-109.

۱۳۹. پیچیدگی محاصره آن است که مستلزم وجود دسترسی بیرونی یک طرف است و البته طرف دیگر که از ترک محل امتناع می‌کند به این دلیل که از عواملی شدیدتر از گرسنگی بیم دارد و مهم‌ترین دلیل، محاصره آن است که یک یا دو طرف با اولویت‌دهی نظامی-سیاسی بر ملاحظات بشردوستانه، زندگی جمعیت انسانی را به مخاطره می‌اندازند. برای نیروهای مسلح محاصره‌شده، جمعیت غیرنظامی می‌تواند به‌عنوان سپر انسانی برای حفظ سرزمین و کمک به مقابله یا به‌عنوان منبع درآمد قلمداد شود. البته این کاربرد جمعیت غیرنظامی به‌مرور و با گذشت زمان از دست خواهد رفت چون منابع و امکانات محدود است و نمی‌توان برای بلندمدت از جمعیت غیرنظامی، تأمین نیازهای نیروهای مسلح را انتظار داشت. ن.ک: Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 709-710.

۴-۵. استخراج منابع و بهره‌برداری مادی

گاهی درگیری و منازعات، فرصتی برای استخراج منابع و سودجویی دولت‌ها فراهم می‌کند که با حفظ محرومیت مردم برای دسترسی به آن اهتمام می‌ورزند. نمونه‌هایی از منفعت‌طلبی و سودجویی دولت‌ها با دراختیار گرفتن سرزمین، در نظام‌های استعماری گذشته خصوصاً در امریکای شمالی و استرالیا به‌وضوح قابل مشاهده بود که با تحمیل گرسنگی و محرومیت‌های شدید به مردم بومی، تخریب منازل مسکونی و زمین‌های کشاورزی در صدد مهاجرت اجباری و جابه‌جایی جمعیت انسانی بودند تا بر سرزمین‌های مزبور غلبه و کنترل لازم را بیابند. نمونه‌های اخیر این رویه در سومالی^{۱۳۰} و میانمار احراز شد که با اعمال خشونت، برای جابه‌جایی اجباری افراد انسانی اقدام شد.^{۱۳۱} جنایت گرسنگی با هدف استخراج منابع، گاهی در عملیات ضدشورش با صدور مجوز برای ارتش نیز محقق می‌شود که از هدف‌گیری غیرنظامیان و کاهش جمعیت به‌عنوان روشی سودآور بهره‌گیرند.^{۱۳۲}

۵-۵. سرکوب شورش و اعتراض

گاهی از محرومیت و منع دسترسی مردم به غذا، برای خارج کردن جمعیت از منطقه‌ای دورافتاده به قلمروی تحت کنترل استفاده می‌شود. البته با مورد محاصره یا گرسنگی ضدشورش شباهت‌هایی دارد اما در عمل از الگویی متفاوت پیروی می‌کند. دو نمونه قابل ذکر از تحمیل گرسنگی با هدف تحت کنترل درآوردن جمعیت انسانی، گواتمالا و تیمور شرقی است که هر دو به دلیل کوهستانی بودن، دارای وضعیت جغرافیایی مشابه هستند که امکان فرار از اعمال کنترل حاکمیت را به غیرنظامیان می‌دهد. هر دو همچنین ترکیبی از انگیزه‌های مختلف برای اعمال خشونت مستقیم را نشان می‌دهند و وجود گروه‌هایی که بیش از دولت‌ها در صدد اعمال کنترل بر جمعیت انسانی هستند.^{۱۳۳}

130. Besteman, C., "Conflict over Resources and the Victimization of the Minorities in the South of Somalia", *Reinventing Peace: World Peace Foundation*, 31 October 2013, available online at <https://sites.tufts.edu/reinventingpeace/2013/10/31/conflict-over-resources-and-the-victimization-of-the-minorities-in-the-south-of-somalia/> (visited 1 October 2020).

131. Amnesty International, *op.cit.*, pp. 101-109

۱۳۲. به‌طور نمونه در اواخر دهه ۱۹۸۰، نیروهای شبه‌نظامی به‌طور هدفمند برای کاهش جمعیت سودان جنوبی اقدام کردند. همچنین از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، شبه‌نظامیان در سودان با اعمال خشونت، سرقت سیستماتیک و تخریب چاه‌های نفتی و ذخائر کشاورزی، به روستاییان حمله و زمینه را برای انقیاد آن‌ها فراهم کردند که البته در این میان بسیاری از آن‌ها نیز جان خود را از دست دادند. طبق برخی اسناد و مدارک، ۳۰ هزار نفر از مردم به‌طور مستقیم در نتیجه اقدامات مذکور و ۲۰۰ هزار نفر دیگر نیز در نتیجه عواملی مانند گرسنگی و بیماری و دیگر عوامل ناشی از جابه‌جایی گسترده و مخاصمه کشته شدند. ن.ک: Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 711-712.

۱۳۳. در گواتمالا (۱۹۸۲-۱۹۸۳)، نیروهای دولتی با هدف قراردادن روستاها در منطقه مایا، و با حمایت از چریک‌های نظامی جنگ‌های ضد شورش را به مدت طولانی ترتیب دادند و به‌صورت گزینشی به بازسازی مناطق روستایی پرداختند. در مجموع،

در ۱۹۷۵ وضعیت مشابهی از جهت کاربرد گرسنگی به منزلهٔ سلاحی علیه جمعیت غیرنظامی در تیمور شرقی مشاهده شد.^{۱۳۴} در کل، تخمین زده می‌شود که ۱۸۶۰۰ نفر در نتیجهٔ خشونت‌های ارتكابی کشته شدند و ۸۴۲ هزار نفر در نتیجهٔ گرسنگی و بیماری جان خود را از دست دادند.^{۱۳۵}

۵-۶. مجازات جمعی

در برخی موارد، گرسنگی و سیاست‌های محرومیت با قصد تنبیه جمعی و تغییر قربانیان انجام می‌گیرد، بدون اینکه هدف کنترل جمعیت غیرنظامی یا سرزمین دنبال شود. ممکن است این اقدام به صورت تحریم گسترده، محاصره و آزار و اذیت به‌عنوان اشکال مجازات جمعی انجام گیرد. برخی نمونه‌ها عبارت‌اند از تحریم‌ها در عراق (۱۹۹۱-۱۹۹۶)^{۱۳۶} و محاصرهٔ سارایوو (۱۹۹۲-۱۹۹۳).

تحلیل گرسنگی به مردم به منزلهٔ سلاحی تلقی شد که برای به‌زاندن آوردن ایشان و تسلیم کردن گروه‌های نظامی و کشاندن آن‌ها از کوه‌ها و مناطق روستایی دورافتاده، مؤثر ارزیابی شد. نحوهٔ اقدام به این ترتیب بود که در حملات اولیه، خشونت گسترده و مرگ‌باری علیه روستاییان اعمال و ساختارهای روستا تخریب شد و بسیاری از غیرنظامیان به کوه‌ها فرار کردند و ارتش به تعقیب خود ادامه داد و حملات بارها تکرار شد که در نتیجهٔ آن، ذخایر کشاورزی و دامداری موقت مردم در مناطق کوهستانی تحلیل رفت. وضعیت مردم در کوهستان‌ها، از نظر گرسنگی و بیماری بسیار وخیم گزارش شد. تا اواخر ۱۹۸۳، بسیاری از غیرنظامیان قادر به ادامهٔ مقاومت در برابر سیاست دولت نبودند و البته برخی مقامات دولتی به‌طور رسمی اعلام کردند که «اگر به ما بپیوندید، به شما غذا خواهیم کرد. در غیر این صورت، شما را خواهیم کشت». برای مطالعهٔ بیشتر، ن. ک. Schirmer, Jennifer, *The Guatemalan Military Project: A Violence Called Democracy*, University of Pennsylvania Press, 1998, pp. 98, 49, 70-71.

134. C. Q. Smith, "Indonesia: Two Similar Civil Wars, Two Different Endings", in B. Conley-Zilkic (ed.), *How Mass Atrocities End: Studies from Guatemala, Burundi, Indonesia, The Sudans, Bosnia-Herzegovina, and Iraq*, Cambridge University Press, 2016, pp. 83-120.

۱۳۵. پس از پایان نظام استعماری پرتغال در اندونزی، جبههٔ انقلابی تیمور شرقی در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۵ اعلام استقلال کرد. اندونزی نه روز بعد حمله کرد و رهبران فرتیلین و خانواده‌های آن‌ها را با خشونت هدف قرار داد. نیروهای فرتیلین به همراه بسیاری از حامیان غیرنظامی به مناطق کوهستانی فرار و مقاومت کردند. نیروهای اندونزی حملات خود را شدت بخشیدند و در تأمین مواد غذایی اختلال ایجاد کردند و در نتیجه منجر به مرگ گستردهٔ غیرنظامیان از گرسنگی و بیماری شدند. البته بسیاری از غیرنظامیان در شرایط بحرانی می‌خواستند تسلیم شوند اما چریک‌ها مانع آن‌ها شدند. در اواخر ۱۹۷۸ آخرین سنگر فرتیلین‌ها در کوه ماتیبان سقوط کرد. غیرنظامیان تسلیم شدند، رهبران و پیروان فرتیلین تحت تعقیب قرار گرفتند، اسیر و کشته شدند. در دسامبر ۱۹۷۸ پانزده اردوگاه وجود داشت که حدود ۲۷۰ هزار نفر تحت شرایط نامطلوب بهداشتی و با محدودیت دسترسی به غذا و آب سالم در آن زندگی می‌کردند. ن. ک.

Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 712-714.

۱۳۶. کاربرد تحریم‌های اقتصادی با پایان جنگ سرد و با اجماع شورای امنیت مبنی بر جواز اعمال آن، برای دولت‌های قدرتمند تسهیل شد. تحریم‌ها ابزاری جهت اعمال اراده و تغییر سیاسی در نظام‌های داخلی شناخته می‌شود. در پایان جنگ اول خلیج فارس، تحریم‌های گسترده‌ای توسط سازمان ملل متحد به رهبری آمریکا علیه عراق اعمال شد که هدف آن نابودی موشک‌های بالستیک دوربرد، سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای عراق، پایان‌دادن به پشتیبانی آن از تروریسم و جبران خسارات وارد به کویت و جبران پاره‌ای بدهی‌های خارجی عنوان شد. (SC Res. 687, 3 April 1991) بنا بر گزارش‌های برخی

۱۹۹۵).^{۱۳۷} محاصره نوار غزه توسط اسرائیل از ۲۰۰۷ تا کنون نیز نمونه معاصر دیگری است که به‌عنوان مجازات جمعی علیه ساکنان این منطقه ارتکاب یافته است. محدودیت‌ها در این منطقه بسیار گسترده و تأمین آب و برق، دسترسی به امکانات و خدمات پزشکی و درمانی و فرصت‌های آموزشی و اقتصادی را محدود می‌کند و موجب تداوم و استمرار فقر برای جمعیت ساکن می‌شود.^{۱۳۸} به علت اعمال محدودیت‌های شدیدتر در ۲۰۱۸، ناامنی غذایی برای غیرنظامیان و ساکنان نوار غزه افزایش قابل توجهی داشت، به نحوی که در سپتامبر ۲۰۱۸، حدود ۴۷ درصد از خانوارهای آن به علت اعمال محدودیت‌های هماهنگ اسرائیل و مصر برای حمل‌ونقل مواد مورد نیاز، از ناامنی شدید غذایی رنج می‌بردند.^{۱۳۹}

باید توجه داشت که در برخی نمونه‌های مذکور، به دلیل پاره‌ای نظارت‌های بین‌المللی، مرتکبین محاصره، به منظور کاستن از پیامدهای قانونی اقدامات خود، گاهی از منابع در اختیار برای مدیریت محاصره و برداشت‌های بین‌المللی از آن بهره‌برداری کرده‌اند. البته در مورد بوسنی، جرایم مذکور در سطحی وسیع و با خشونت بسیار به قصد پاک‌سازی نژادی ارتکاب یافت.^{۱۴۰}

۵-۷. بهره‌کشی و سوءاستفاده از نیروی انسانی

گاهی محدودیت در دسترسی به غذا و تحمیل گرسنگی به افراد انسانی با هدف بهره‌برداری از نیروی کار ایشان انجام می‌شود. برده‌گیری در شرایطی که تعداد افراد، زیاد و منابع غذایی اندک

نهادهای مستقل، آثار مخرب تحریم‌های مذکور بر غیرنظامیان از جمله کودکان بسیار وخیم اعلام شد. به‌طور نمونه، یونیسف گزارش داد که سوءتغذیه کودکان زیر ۵ سال در فاصله ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶، حدود ۷۲ درصد افزایش یافت. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Baram, A., "The Effects of Iraqi Sanctions: Pitfalls and Responsibility", *The Middle East Journal*, Vol. Issue 54, 2000, pp. 202, 205.

۱۳۷. *سارایوو پایتخت بوسنی* نیز در طول جنگ (۱۹۹۲-۱۹۹۵) به‌عنوان مجازات جمعی تحت محاصره قرار داشت. این شهر در دره واقع است و صرب‌ها با استقرار سلاح‌های سنگین در مناطق مرتفع، خطوط مقدم را به داخل شهر منتقل کردند و عملاً دسترسی افراد منطقه به خارج قطع شد. با وجود این، بنا بر اذعان برخی کارشناسان، صرب‌ها قصد تخریب یا تصرف کامل شهر را نداشتند بلکه به‌عنوان هدف راهبردی، پایتخت را مورد توجه قرار دادند و از *سارایوو* و شهروندانش به‌عنوان گروگان استفاده و موقعیت خود را تقویت کردند. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نیز روی فعل کشتن در طول و در نتیجه محاصره تمرکز کرد. در حالی که به عقیده برخی حقوق‌دانان، تمرکز صرف دادگاه روی مرگ به‌عنوان نتیجه محاصره، این فرصت را از دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق سلب کرد که گرسنگی را به‌عنوان مجازات جمعی مورد توجه قرار دهد.

138. Human Rights Watch, *World Report 2018: Israel and Palestine* (2017), available at <https://www.hrw.org/world-report/2018/country-chapters/israel/palestine#> (visited 1 October 2020).

139. Palestinian Central Bureau of Statistics, 'Socio-Economic Food Security Survey 2018 Preliminary Results', 10 December 2018, available online at https://fscluster.org/sites/default/files/documents/sefsec_2018_-_food_security_analysis_preliminary_results.pdf (visited 15 September 2020), p. 5.

140. Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 714-716.

است، غالباً موجب گرسنگی در سطح وسیع خواهد شد که مصادیق آن در اردوگاه‌های کار اجباری غیرنظامیان توسط آلمان نازی مشهود بود.^{۱۴۱} همچنین در مورد اسیران جنگی یا افراد بازداشتی مرتبط با مخصصات مسلحانه نیز نگرانی عمده‌ای وجود دارد، در حالی که طبق کنوانسیون‌های ژنو نباید به افراد مذکور گرسنگی تحمیل شود؛ مواردی در طول جنگ جهانی دوم توسط ژاپن و آلمان و بلافاصله بعد از جنگ توسط اتحاد جماهیر شوروی (با آمار بالای مرگ و میر) ارتکاب یافت.^{۱۴۲}

۵-۸. تأمین ارتش از منابع محلی و مردمی

در اغلب کشورهای غیرصنعتی، ارتش معمولاً کاری به زمین و کشاورزی ندارد و از جوامع محلی تغذیه می‌کند. بنابراین در شرایط قحطی، ارتش و نیروهای نظامی در اروپا، آسیا و آفریقا از وضعیت وخیم پیش‌آمده متأثر شده‌اند. گاهی مردم کشاورز و دهقانان در جوامع محلی به نحوه عملکرد نیروهای ارتش معترض بوده‌اند که البته دادخواهی‌شان به جایی نمی‌رسید و همواره مردم عادی مقصر اعلام می‌شدند. در جنگ جهانی دوم، نیروهای ژاپنی به مجمع‌الجزایر اندونزی و فیلیپین اعزام شدند و بعد از چند روز به آن‌ها دستور داده شد که نیازهای ضروری خود را از ذخائر و منابع مردم محلی و بومی تأمین کنند.^{۱۴۳} همچنین در موارد محاصره شهرها، عمده بار گرسنگی متوجه افراد آسیب‌پذیر به‌ویژه غیرنظامیان و نه سربازان و ارتش است. تفاوت این مورد با موارد قبلی آن است که گرسنگی در این مصداق فقط به «دشمن» تحمیل نمی‌شود بلکه متوجه گروه‌های هوادار نیز هست.^{۱۴۴}

۵-۹. ایجاد تحولات عمیق اجتماعی

مهندسی تحولات عظیم در جامعه، به خودی خود جرم محسوب نمی‌شود. هرچند ممکن است

141. Buggeln, M., *Slave Labor in Nazi Concentration Camps*, Oxford University Press, 2014, p. 6.

142. در سودان نیز به‌عنوان یک مصداق معاصر، این جنایت با رویکردی متفاوت ارتکاب یافت به این ترتیب که هدف از تحمیل گرسنگی بر غیرنظامیان، دسترسی به منابع امدادی و کمک‌های بشردوستانه در راستای تأمین نظامیان بود و با ترفندهای نظامی و غیرنظامی، از برخی کمک‌های بشردوستانه ارسالی برای مردم گرسنه و کودکان مبتلا به سوء تغذیه، برای تقویت ارتش استفاده شد. ن.ک:

Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 716-717.

143. Collingham, L., *The Taste of War: World War II and the Battle for Food*, Penguin Press, 2011, p. 282.

144. قحطی بنگال در ۱۹۴۳ مورد قابل توجهی از سیاست اقتصادی زمان جنگ است که باعث قحطی شد که در واکنش، دولت انگلیس سیاستی را دنبال کرد که مصرف انبوه مواد غذایی را به‌طور گسترده در هندوستان کاهش داد، چرا که ممکن بود ریاضت اقتصادی سبب ناآرامی و تنش در کشور خانه یعنی انگلیس شود و البته این سیاست در هندوستان با هدف تأمین منابع، موجب اختلال در زندگی روزمره و دسترسی به منابع حیاتی و در نتیجه مرگ و میر افراد زیادی شد. ن.ک:

Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 718-719.

سیاست‌های اقتصادی غلط و اشتباه، در یک جامعه نتایج فجیع به بار آورد، متضمن پیگرد کیفری نیست. با وجود این، وقتی سیاست‌ها در کوتاه‌مدت به‌وضوح خسارت‌بار هستند، مسئله تقصیر و پاسخگویی مطرح می‌شود، آنجا که همچنان بر اجرای آن‌ها در بلندمدت اصرار و موجب مرگ و میر گسترده می‌شود. ممکن است در این شرایط تعقیب کیفری به دلیل اجرای بی‌رحمانه سیاست‌ها، سرکوب مخالفت‌ها و امتناع از تغییر سیاست‌های نادرست، عواقب زیان‌بار انجام گیرد.^{۱۴۵} نکته مهم در رابطه با این مصداق از گرسنگی اجباری آن است که اولاً در کنار ایجاد تحول اجتماعی عمدتاً انگیزه‌های دیگر مانند اجبار و سرکوب قابل احراز است. ثانیاً اجرای گزینه‌های سیاست‌های مزبور مورد انتقاد است که علیه گروه قومی یا نژادی خاص دنبال می‌شود. ثالثاً مشکل اصلی آنجاست که علی‌رغم مشهود بودن عواقب ناگوار و فجیع سیاست‌های دولت، هیچ تلاشی برای تغییر مسیر یا کاهش رنج و مرگ بشری اتخاذ نمی‌شود.^{۱۴۶}

نتیجه

در نظام حقوق بین‌الملل معاصر، تحمیل گرسنگی به افراد انسانی، نقض حقوق بشر و جنایت بین‌المللی قلمداد می‌شود. این جنایت طی دهه‌های متمادی به‌عنوان شیوه‌ای برای وصول به اهداف معینی مانند قتل و نابودسازی، اعمال کنترل و قدرت بر جمعیت غیرنظامی، اعمال کنترل سرزمینی، استخراج منابع و بهره‌برداری مادی، مجازات جمعی، سرکوب شورش و اعتراض، تأمین ارتش از منابع محلی و مردمی و ایجاد تحولات عمیق اجتماعی علیه جمعیت انسانی توسط بازیگران دولتی و غیردولتی ارتکاب یافته است و مرتکبین آن از بی‌کیفری برخوردار بوده‌اند. اما جای بسی تعجب و تأسف است که در قرن بیستم، بنابر آمار گزارشگر ویژه ملل متحد، همچنان میلیون‌ها انسان در کشورهایی مانند افغانستان، کنگو، اتیوپی، نیجریه، سودان جنوبی، سوریه، یمن، میانمار و دیگر کشورها از حق دسترسی به غذا محروم‌اند و از گرسنگی رنج می‌برند.^{۱۴۷} رهیافت مهم در مواجهه با این پدیده ضدبشری، در وهله نخست، شناسایی ظرفیت‌های بالفعل

۱۴۵. بارزترین نمونه‌های گرسنگی جمعی در نظام‌های استعماری برای تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ، در بسیاری از مناطق جهان، قحطی و گرسنگی وسیع صورت گرفت. جمعیت بومی در نتیجه سیاست‌های استعماری، مجبور به جابه‌جایی مکان یا تولید محصولات سودآور برای دولت‌های مزبور می‌شد. به‌طور مثال، رهیافت اقتصادی-سیاسی استعماری در کشور نیجریه به «خشونت خاموش» تعبیر شده است. سیاست‌های استعماری انگلیس در هندوستان نیز نمونه بارزی از تحول اجتماعی به قیمت ایجاد قحطی و گرسنگی جمعیت انسانی بود. این سیاست‌ها از دهه ۱۷۷۰ تا دهه ۱۹۴۰ منجر به قحطی‌های مکرر و مرگ ده‌ها میلیون انسان شد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Watts, M. J., *Silent Violence: Food, Famine and Peasantry in Northern Nigeria*, University of California Press, 1983, pp. 23-35.

146. Conley and de Waal, *op.cit.*, pp. 719-720.

147. Report of the Special Rapporteur on the right to food: Critical perspective on food systems, food crises and the future of the right to food A/HRC/43/44, 21 January 2020, paras. 45-47.

حقوق بین‌الملل برای پیشگیری و مقابله با آن و سپس اهتمام برای رفع خلأها و تقویت سازوکارهای نظارتی است. در نظام حقوق بین‌الملل بشر، گرسنگی با نقض حق بر غذا ملازم است و منجر به نقض حقوقی مانند حق بر سلامت، حق برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی و ممنوعیت شکنجه می‌شود و در بلندمدت ممکن است به صورت تدریجی و خاموش موجب وقوع قحطی گسترده و مرگ هزاران انسان بی‌گناه شود. بنابراین اولین و مؤثرترین راهکار در پیشگیری از تحمیل گرسنگی، شناسایی و پیگرد جدی دولت‌های ناقض حقوق بشر از جمله حق بر غذا و حق برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی از مراحل اولیه و قبل از وخیم‌شدن اوضاع است. البته چنانچه بررسی شد، رویه سازوکارهای منطقه‌ای حقوق بشری در این زمینه تا کنون از جهت کمیت و کیفیت امیدوارکننده نبوده و یکی از دلایل آن ناظر به ماهیت تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در چنین شرایطی علاوه بر تقویت سازوکارهای نظارتی موجود و ترویج و توسعه دادخواهی‌های فردی یا دولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، ارائه تعریف موسع از دیگر مصادیق حقوق بشر مانند حق بر حیات، منع شکنجه یا حقوق اقلیت‌ها به‌عنوان گروه هدف تحمیل گرسنگی، اقدام مؤثری به شمار می‌آید. از آنجا که جرم‌انگاری موارد نقض شدید و فاحش حقوق بشر و مجازات مرتکبین، از جنبه بازدارندگی بسیار برخوردار است، در اساسنامه رم، گرسنگی به‌طور صریح از مصادیق جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و به‌طور ضمنی به‌عنوان جنایت علیه بشریت قابل پیگرد است. عنصر مادی این جنایت جنگی موسع و شامل هرگونه فعل یا ترک فعلی است که غیرنظامیان را از دسترسی به ملزومات زندگی مانند غذا محروم می‌کند. در مورد عنصر معنوی نیز با توجه به قید ارتکاب عمدی جنایت، مواردی مانند سهل‌انگاری یا بی‌احتیاطی را شامل نخواهد شد. رویکرد مضیق اساسنامه رم به این جنایت ضدبشری مورد انتقاد است و راهکار پیشنهادی، ایجاد ظرفیت حقوقی برای پیگرد آن در صورت ارتکاب ضمن مخاصمات مسلحانه داخلی و احصای صریح آن به منزله جنایت علیه بشریت ذیل عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» است تا بتوان به نحو مؤثر از حیات افراد انسانی در مقابل نقض حقوق بشر ارتکابی دولت‌ها با اغراض سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره حمایت کرد. البته تصمیم مجمع عمومی دیوان بین‌المللی کیفری به اتفاق آرا در ژوئیه ۲۰۲۰ مبنی بر اصلاح اساسنامه رم برای توسعه مفهوم گرسنگی به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی امیدبخش است و چشم‌انداز مطلوبی را ترسیم می‌کند.

منابع:

الف. فارسی

- طلایی، فرهاد و علی زرم‌خواه؛ «تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر غذا با توجه به مادهٔ یازدهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامهٔ حقوق، مجلهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دورهٔ ۴۳، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۳۹۲.
- ابراهیم‌گل، علیرضا؛ «حق بر غذا: پیش‌شرط تحقق سایر حقوق»، مجلهٔ حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وپنجم، شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- انصاری، محمدباقر، شکورا حاجی و علی اورک‌پور؛ «موازن وضع تحریم‌های شورای امنیت و وضعیت حقوق بشر در بررسی حق بر غذا به‌عنوان یکی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، فصلنامهٔ مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شمارهٔ سوم، بهار ۱۳۹۲.
- اسفندیاری، چنگیز و سیدباقر میرعباسی؛ «بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی»، فصلنامهٔ حقوق پزشکی، سال نهم، شمارهٔ ۳۵، زمستان ۱۳۹۵.
- فروغی‌نیا، حسین، محمد نقوی مرمتی و علی نقوی مرمتی؛ «ماهیت تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه»، فصلنامهٔ مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شمارهٔ هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

ب. انگلیسی

- Books

- Buggeln, M., *Slave Labor in Nazi Concentration Camps*, Oxford University Press, 2014.
- Callwell, C. E., *Small Wars: Their Principles and Practice*, University of Nebraska Press, 1996.
- Collingham, L., *The Taste of War: World War II and the Battle for Food*, Penguin Press, 2011
- Conley-Zilkic, B. (ed.), *How Mass Atrocities End: Studies from Guatemala, Burundi, Indonesia, The Sudans, Bosnia-Herzegovina, and Iraq*, Cambridge University Press, 2016
- de Waal, Alex, *Mass Starvation: The History and Future of Famine*, Polity Press, 2017
- Denis, Herbel, and Crowley, Eve, *Good Practices in Building Innovative Rural Institutions to Increase Food Security*, Rome, Italy, FAO

Publications, 2012.

- Gillespie, A., *A History of the Laws of War: The Customs and Laws of War with Regards to Civilians in Times of Conflict*, Hart Publishing, 2011, Vol. 2.
- Porch, D., *Counterinsurgency: Exposing the Myths of the New Way of War*, Cambridge University Press, 2013.
- Schirmer, Jennifer, *The Guatemalan Military Project: A Violence Called Democracy*, University of Pennsylvania Press, 1998
- Watts, M. J., *Silent Violence: Food, Famine and Peasantry in Northern Nigeria*, University of California Press, 1983.
- Y. Dinstein, Y., *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*, Cambridge University Press, 2016, 3rd Edition.

- Articles

- Dapo and Gillard, Emanuela-Chiara, "Conflict-induced Food Insecurity and the War Crime of Starvation of Civilians as a Method of Warfare: The Underlying Rules of International Humanitarian Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, Issue 4, September 2019.
- Baram, A., "The Effects of Iraqi Sanctions: Pitfalls and Responsibility", *The Middle East Journal*, Vol. 54, 2000.
- Chadwick, Anna E., "Gambling on Hunger? The Right to Adequate Food and Commodity Derivatives Trading", *Human Rights Law Review*, Vol. 18, Issue 2, 2018.
- Conley, Bridget and de Waal, Alex, "The Purposes of Starvation Historical and Contemporary Uses", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, No.4, 2019.
- Feunteun, Tristan, "Cartels and the Right to Food: An Analysis of States' Duties and Options", *Journal of International Economic Law*, Vol. 18, Issue 2, June 2015.
- Giacca, Gilles, Nohle, Ellen, "Positive Obligations of the Occupying Power: Economic, Social and Cultural Rights in the Occupied Palestinian Territories",

Human Rights Law Review, Vol. 19, Issue 3, 2019.

- Hossain, Naomi and Lintelo, Dolf te, “A Common Sense Approach to the Right to Food”, *Journal of Human Rights Practice*, Vol. 10, Issue 3, November 2018.
- Hutter, Simone, “Starvation in Armed Conflicts: An Analysis Based on the Right to Food”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, Issue 4, September 2019.
- Lander, Brian and Vetharaniam Richards, Rebecca, “Addressing Hunger and Starvation in Situations of Armed Conflict — Laying the Foundations for Peace”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, No.4, 2019.
- Marcus, D., “Famine Crimes in International Law”, *American Journal of International Law*, Vol. 97, Issue 2, 2003.
- Rosenberg, Sheri P., “Genocide is a Process, Not an Event”, *Genocide Studies and Prevention: An International Journal*, Vol. 17, Issue 1, 2012.
- Sinha, Manoj Kumar, “Right to Food: International and National Perspectives”, *Journal of the Indian Law Institute*, Vol. 56, No. 1.
- Ventura, Manuel, “Prosecuting Starvation under International Criminal Law: Exploring the Legal Possibilities”, *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 17, No. 4, 2019.

- Instruments

- Additional Protocol I to the Geneva Conventions (1977)
- Besteman, C., ‘Conflict over Resources and the Victimization of the Minorities in the South of Somalia’, Reinventing Peace: World Peace Foundation, 31 October 2013, available online at <https://sites.tufts.edu/reinventingpeace/2013/10/31/conflict-over-resources-and-the-victimization-of-the-minorities-in-the-south-of-somalia/> (visited 1 October 2020).
- CESCR, General Comment No. 12: The Right to Adequate Food (Art. 11), E/C.12/1999/5.
- Checchi, F. and Others, ‘Estimates of Crisis-Attributable Mortality in South Sudan, December 2013-April 2018: A Statistical Analysis’,

London School of Hygiene and Tropical Medicine, September 2018, available online at <https://www.lshtm.ac.uk/south-sudan-full-report> (visited 1 October 2020).

- Conley-Zilkic, Bridget, “Mass Atrocity Endings” (World Peace Foundation, 2017), available online at <https://sites.tufts.edu/atrocityendings/> (visited 1 October 2020).
- FAO, The Right to Food and Access to Justice: Examples at the National, Regional and International Levels, 2009.
- FAO, The Right to Food Guidelines: Information Papers and Case Studies, Rome, 2006.
- Global Rights Compliance and The World Peace Foundation, The Crime of Starvation and Methods of Prosecution and Accountability (Policy Paper), 2019.
- H. Young, H. and Jaspars, S., “Review of Nutrition and Mortality Indicators for the IPC: Reference Levels and Decision-making”, September 2009, available online at <https://www.odi.org/sites/odi.org.uk/files/odi-assets/publications-opinion-files/5636.pdf> (visited 1 October 2019).
- Human Rights Watch, World Report 2018: Israel and Palestine (2017), available at <https://www.hrw.org/world-report/2018/country-chapters/israel/palestine#> (visited 1 October 2020).
- Integrated Food Security Phase Classification (IPC), Technical Manual Version 2.0: Evidence and Standards for Better Food Security Decisions (2012), available online at <http://www.fews.net/sites/default/files/uploads/IPC-Manual-2-Interactive.pdf> (visited 1 October 2019).
- Palestinian Central Bureau of Statistics, ‘Socio-Economic Food Security Survey 2018 Preliminary Results’, 10 December 2018, available online at https://fscluster.org/sites/default/files/documents/sefsec_2018_-_food_security_analysis_preliminary_results.pdf (visited 15 September 2020).
- Report of the Special Rapporteur on the Right to food: Critical Perspective on Food Systems, Food Crises and the Future of the Right to Food, A/HRC/43/44, 21 January 2020.
- SC Res. 687, 3 April 1991.

- The Report of the Special Rapporteur on the Right to Food: The Right to Food in the Context of International Trade Law and Policy, 22 July 2020.
- UN Commission on Human Rights, Resolution 2001/25, 20 April 2001.
- United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights, 'Fact Sheet No. 20: Human Rights and Refugee', available at: <https://www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet20en.pdf> (visited 1 October 2020).
- United Nations, Policy Brief: The Impact of COVID-19 on Food Security and Nutrition, June 2020.

- Cases

- ICC, *Prosecutor v. Bemba et al.*, Appeal Judgment, ICC-01/05-01/13-2275-Red, 8 March 2018.
- ICC, *Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo*, Decision on the Confirmation of Charges, ICC-01/04-01/07.
- ICC, *Prosecutor v. Katanga*, Trial Judgment, ICC-01/04-01/07-3436-tENG, 7 March 2014.
- ICC, *Prosecutor v. Lubanga*, Appeal Judgment, ICC-01/04-01/06-3121-Red, 1 December 2014.
- ICC, *Prosecutor v. Ntaganda*, Trial Judgment, ICC-01/04-02/06-2359, 8 July 2019.
- ICJ, *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Provisional Measures, Order of 3 October 2018.
- ICJ, *Legal Consequence of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory*, 2004.
- ICTR, *Hategekimana v. The Prosecutor*, Appeal Judgment, ICTR-00-55B-A, 8 May 2012.
- ICTR, *Prosecutor v. Akayesu*, Trial Judgment, ICTR-96-4-T, 2 September 1998.
- ICTR, *Prosecutor v. Kayishema and Ruzindana*, Trial Judgment, ICTR-95-1-T, 21 May 1999.

- ICTR, *Prosecutor v. Seromba*, Appeal Judgment, ICTR-2001-66-A, 12 March 2008.
- ICTY, *Prosecutor v. Blaškić*, Appeal Judgment, IT-95-14-A, 29 July 2004.
- ICTY, *Prosecutor v. D. Milošević*, Appeal Judgment, IT-98-29/1-A, 12 November 2009.
- ICTY, *Prosecutor v. Galić*, Appeal Judgment, IT-98-29-A, 30 November 2006.
- ICTY, *Prosecutor v. Jelisić*, Appeal Judgment, IT-95-10-A, 5 July 2001.
- ICTY, *Prosecutor v. Karadžić*, Trial Judgment, IT-95-5/18-T, 24 March 2016.
- ICTY, *Prosecutor v. Kordić and Čerkez*, Appeal Judgment, IT-95-14/2-A, 17 December 2004.
- ICTY, *Prosecutor v. Krnojelac*, Trial Judgment, IT-97-25-T, 15 March 2002.
- ICTY, *Prosecutor v. Kupreškić et al.*, Trial Judgment, IT-95-16-T, 14 January 2000.
- ICTY, *Prosecutor v. Lukić and Lukić*, Trial Judgment, IT-98-32/1-T, 20 July 2009.
- ICTY, *Prosecutor v. Stakić*, Appeal Judgment, IT-97-24-A, 22 March 2006.
- ICTY, *Prosecutor v. Tolimir*, Trial Judgment, IT-05-88/2-T, 12 December 2012.
- ICTY, *Prosecutor v. Vasiljević*, Trial Judgment, IT-98-32-T, 29 November 2002.